

نمیشود در صورتیکه دیوان معاسبات قبول آن اعتراضات را نموده دیگر آن حکمیکه داده شده است از اعتبار میافتد و مشکوک میشود و دیگر قابل اجراء نخواهد بود مگر اینکه تجدیدنظر شود و ثانیاً حکم صادر شود یا آن حکم اولی را دیوان معاسبات تصدیق نماید.

فهییم الملک - فرمایش آقای مشیر الدوله راجع بود به قسمت دوم این ماده اما اینکه راجع میشود به ماده ۶۳ دلیل این نمیشود که این اعتراض بر حکم غنایی میشود برای اینکه در ماده ۶۳ ذکر شده است که در موقع رسیدگی به حساب صاحب جمعی اگر دیوان معاسبات نظرانی داشته باشد بتوسط اداره متبوعه او موافق شرایطیکه در فصول راجع به اصول محاکمات مقرر است بجهت اقامت یا محلی که در پایتخت اختیار کرده ابلاغ خواهد شد مشارالیه میتواند مطابق قوانینکه در فصل مزبور مذکور است در ظرف (۱۰) روز از تاریخ ابلاغ حکم ملاحظاتی خود را تقدیم نماید و اینصورت دیگر این حکم غنایی نمیشود بلکه این حکمی است که در حضور او داده شده است و در اینصورت اگر باز محکوم شد دیگر حق اعتراض نخواهد داشت.

مؤتمن الملک - این ملاحظاتیکه میشود بیشتر مربوط است بقوانین و احکام وزارت عدلیه که در اینجا اعتراض در احکام مخصوص است بالاشخاصیکه غائب بوده اند و حال اینکه اینجا اینطور نیست چون ما گفتیم که احکام دیوان معاسبات استیناف ندارد برای اینکه اگر میگفتیم استیناف دارد مجبور میشدیم يك محکمه عالی تر تشکیل کنیم که احکام را آنجا استیناف شود و چون يك همچو چیزی ممکن نبود اینستکه آمدند عرض استیناف حق اعتراض برای صاحب جمع قرار داده اند که يك تجدید نظری بشود و ثانیاً حکم صادر شود تا اینکه در دفعه اول اگر يك اشتباهی شده باشد در حق آن صاحب جمع ظلم نشده باشد اینستکه گفته اند حق اعتراض دارد پس این در حقیقت اعتراضی است که جای استیناف را بگیرد و برای اینکه در باره صاحب حسابی را بیاورند بدیوان معاسبات دیوان معاسبات درست ملتفت نمیشود پنج شش تلم از آن حساب را اینستکه بصاحب جمع بنویسد که این چند قلم را درست ملتفت نشم آنوقت صاحب جمع حق دارد که در ظرف ۱۰ روز باین ایرادات دیوان معاسبات جواب بدهد و در صورتیکه ۱۰ روز وقت قرارداد شده است دیگر عدلیه برای صاحب جمع باقی نمی ماند که اعتراضی بکند. حالا يك قسمت از حساب هم هست که خود دیوان معاسبات ایراد نمیکند بلکه رسیدگی کرده حکم میدهد و بصاحب جمع ابلاغ میشود این قسمت از احکام را هم بگویند که باز هم صاحب جمع حق دارد در ظرف ۱۰ روز اگر ملاحظاتی و اعتراضاتی بر احکام دیوان معاسبات دارد بنماید پس اینحق را بصاحب جمع داده اند از برای اینکه در حق او ظلم نشده و چون لفظ استیناف را نمیتوانیم استعمال کنیم بهمان دلیلی که عرض کردیم يك محکمه عالی تری هم آنوقت باید برای استیناف قرار بدهیم و چون محکمه عالی تری در باب امور مالیه از دیوان معاسبات بالاتر نداریم این بود که گفتیم که خود

دیوان معاسبات مجدداً در آنسلسله رسیدگی کند و اسس را استیناف نمیکند اگر اسس را اعتراض میکند از برای امر قمره ثانی که گفتند وقتیکه اعتراض قبول شد دیگر جرم آنرا نمیشود برای اینستکه همانطور که گفته شد وقتیکه صاحب جمع اعتراض کرد بمجرد اینکه آن اعتراض قبول شد دیگر مجبور نیست دیوان معاسبات که در همان جلسه رسیدگی کند برای اینکه ممکن است همینقدر که دیوان معاسبات حکم کرد که اعتراض او را يك درجه مقبول است تا موقع رسیدگی مدتی طول میکشد علاوه بر این ممکن است که بعد از يك یادرفته که دیوان معاسبات رسیدگی کرد مجدداً معلوم شود که حکم اولی اوصحیح بوده است پس در صورتیکه آن حکم بگیرند و صاحب جمع هم دور نیست که بخواهد امر اروقیت بکند و يك فرصتی پیدا کند از برای اینکه آن حکم اجرا نشود از اینجهت است که نوشته شده است بمجرد قبول اعتراض حکم اولی توقیف نمیشود مگر اینکه از برای ایراداتیکه صاحب جمع بدیوان معاسبات کرده است دیوان معاسبات اسناد صاحب جمع را ملاحظه میکند و می بیند آن ایرادات درست بوده است در هر صورت مقصود از اینجمله این بوده است که اگر يك صاحب جمعی محکوم واقع شود بعد اعتراضاتی را که میکند قبول شود در ضمن بخواهد فرار کند آن حکم توقیف نشده و بلا اجرا نماند.

رئیس - مذاکرات بقدر کافی بعمل آمده است حالا باید رأی بگیریم. مجدداً ماده ۶۶ با تغییر کلمه (حکم قطعی) به (حکم ثانوی) قرائت شده.

رئیس - کسانیکه تصویب میکنند بر ماده ۶۶ بطریقیکه خوانده شد قیام نمایند (اعلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد).

ماده ۶۵ پیشنهاد وزیر وقتیکه یکی از مأمورین ادارات پیشنهاد دیوان معاسبات شده امروند کور تابع قضاوت دیوان معاسبات خواهد بود. کمیسیون این ماده را حذف کرده بود.

حاج سید ابراهیم - جهت ندارد این ماده حذف شود برای اینکه در این ماده تصریح میکند که مأمورین ادارات چه در اداره و چه در غیر اداره مالیه در هر اداره ای که باشند ولو اینکه اداره نظام هم در مقام محاکمه تابع قضاوت دیوان معاسبات هستند و در اینصورت نمیتوانم کمیسیون بجهت ملاحظه آنرا حذف کرده است.

فهییم الملک - جهت حذفش از ابتدا گفته شد بعد از آنکه ترتیب رسیدگی و صدور احکام و وظائف صاحب جمع و سایرین را در اطاعت از احکام دیوان معاسبات نوشتیم و تمام جزئیات تکلیف آنها را معلوم کردیم باز دوم مرتبه بنویسیم که مأمورین ادارات در مقام محاکمه در رسیدگی بحساب تابع قضاوت دیوان معاسبات خواهند بود این زیادی نیست؟

رئیس - حالا باید رأی بگیریم برای بردن کمیسیون که پیشنهاد کرده است این ماده حذف شود کسانی که بایشتهاد کمیسیون موافقت یعنی حذف این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند و با کثرت ماده مزبور حذف شد)

پیشنهاد وزیر ماده ۶۶ - هر گاه در بین رسیدگی حسابی دیوان معاسبات تقابل و خیانتی مشاهده شد بعد از استیراج از مدعی العموم بتوسط مشارالیه مطلب را بوزارت متبوعه شخص متهم اشیار کرده مجازات او را موافق قوانین موضوعه میخواند.

پیشنهاد کمیسیون ماده ۶۷ - هر گاه در ضمن رسیدگی حساب دیوان معاسبات تقابل و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ می نماید و در آخر نوشته شود « باید عقیده مدعی العموم دیوان معاسبات نیز خواسته شود » برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم نیز خواسته شود.

حاج سید ابراهیم - در اینجا موافقت با پیشنهاد وزیر که در آنجا میگوید بوزارت متبوعه خودش اشیار میشود بجهت اینکه مراد از تقابل و خیانت در مقام حساب یعنی مال دولت را نخواهد بود یا در اسناد نقلی کرده باشد در اینصورت محاکمه راجع بدیوان معاسبات است جهت ندارد بعد از ثبوت تقابل راجع به مدلیه بکنیم فقط در دیوان معاسبات رسیدگی کنند کفایت میکند.

فهییم الملک - اگر در اسناد نقلی کرده باشد یا اینکه مالیه را در ذمه باشد این راجع بوزارت مالیه نخواهد بود راجع است به حاکم جزا و در آنجا مجازات قانونی میباشد.

لسان الحکماء - اینجا دوم مرتبه تکرار شد که عقیده مدعی العموم خواسته میشود بنده میخوانم مرض کم در موارد اختلافات حساب همیشه مدعی العموم باید دعوت شود و حاضر باشد یعنی وقتیکه اختلاف حساب مابین مبرزین و صاحب جمعی دیده شود باین نظر همیشه مدعی العموم باید مواظب باشد بر اینکه تقابل و خیانتها واقع نشود و باید از مدعی العموم اطلاعات حاصل کرد ولی در این موارد در چندجا نوشته شده عقیده مدعی العموم خواسته شود در صورتیکه از حق رأی ندارد و عقیده او مندرج در حکم ندارد پس فقط مقصود همان مسئله است که باید در تمام مواردیکه اختلاف حساب مابین صاحب جمعی و مبرزین واقع میشود اطلاعات داشته باشند یکی از ماده هائی است که باید نوشته شود که باید حتی مدعی العموم حاضر باشد و هر گاه مابین صاحب جمعی و مبرزین اختلاف حساب باشد اطلاعات باید از مدعی العموم خواسته شود و عقیده مدعی العموم.

فهییم الملک - این چون در محاکمه است عقیده او را از باب اینکه اظهار عقیده در حکم است اظهار میدارد همانطور که فرمودند فقط برای این که میخوانند نظرات ادرار حکمی که میخوانند صادر کنند بدانند.

آقا شیخ ابراهیم زجاجی - این عبارت اینجا خوب نیست که بنویسد هر گاه در ضمن رسیدگی حساب دیوان معاسبات تقابل و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه ... این مدعی العموم آیا حق دارد او را به محکمه جزا جلب کند یا ندارد اگر ندارد پس باید بدعی العموم عدلیه ابلاغ بدهند که او را جلب به محکمه عدلیه بکنند این عبارت بجهت صحیح نیست.

فهییم الملک - اینکه در اینجا نوشته شده است مدعی العموم که نمیتواند رأی بدهد پس فرض اینستکه در اختلاف حساب نظر داشته باشد و اگر لازم میدانند که نوشته شود بدعی العموم علیه آنها ضرری ندارد و او باید که او را جلب به عدلیه بکنند. ماده مزبور با اصلاح قرائت شد.

فهییم الملک - این ماده اینطور نوشته شود. هر گاه در ضمن رسیدگی حساب تقابل و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم خود بدعی العموم عدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ می نماید و در آخر نوشته شود « باید عقیده مدعی العموم دیوان معاسبات نیز خواسته شود » برای اینکه هر گاه در ضمن معاسبات تقابل و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم وزارت عدلیه ابلاغ می نماید.

وکیل التجار - اینجا در تمام مواضع اشتباه حساب یا سهو حساب می شد نوشته میشد حکم صادر می شود حکم داده می شود از طرف دیوان معاسبات و اجرا می شود اینجا در مواضع اشتباه یا تقابل شده باشد می نویسند مبلغ را معین می کنند میرود بتوسط مدعی العموم یا بتوسط هر کسیکه هست به محکمه جزا و بدیوان عدلیه رجوع می شود عقیده ام اینستکه آنقدر اینکه راجع باخذ مبلغ است آنرا در موافق اختلاف دیوان معاسبات خودش حکم بکنند و اخذ بکنند و فقط برای مجازات خیانت رجوع بدیوان عدلیه شود نه اینکه خود آن مبلغ هم به منظور توقیف بماند و رجوع شود بعد از آنجا مجازات تقابل او بشود و مال دولت بیش بکطرف حساب مدتی تمطیل بماند در صورتیکه اختلاف حساب را بدیوان معاسبات اجازه می دهیم که آن تفاوت را خودش حکم کند و بگذرد حالا در موقع تقابل بطریق اولی مختار است که پول را بگیرد و آن وقت جزای تقابل و خیانت را رجوع کند به محکمه جزا والا اخذ وجهه را خود دیوان معاسبات باید بکنند چنانچه در موقع اختلاف و اشتباه اخذ میکنند.

فهییم الملک - اینجا نوشته است که محکمه جزای عدلیه این اختلاف حساب را بگیرد این ربطی به مطالب ندارد در احکام دیوان معاسبات که بعد از این ذکر خواهد شد در آنجا گفته می شود که محکمه صادر می کند اگر صاحب جمع حسابش صحیح است که مفاصحا خواهد داشت و اگر باقی یا فضل دارد می گوید این چیزی است که خواهد آمد در اینجا چیزی که بعد از رجوع می شود فقط مجازات است و مشخص است نسبت بآن تقابل و خیانتی که کرده است و مسلماً اگر باقی دارد بموجب احکامیکه صادر می شود باید بدهد. ماده مزبور بطوریکه آقای فهییم الملک اصلاح کردند قرائت شد.

حاج آقا - این عبارت را اگر چه تغییر داده اند بنده عرضی ندارم اگر چه آنوقت هم معلوم بود که بترتیب معمول بعد از ابلاغ داده می شود ولی این عبارت را هم زیاد میدانم برای اینکه موافق قوانین معموله محاکمه و سیاست شود.

آقا شیخ ابراهیم - بنده هم این را میخوانم

مرض بکنم این تقابل و خیانت که در دیوان معاسبات مشاهده و ثابت شده این کافی است برای مجازات او یا نه و اگر کافی است پس باید بعد از فرستاده شود برای مجازات و اگر کافی نیست باید جلب بعد از فرستاده شود و آنجا محاکمه قرار در آن داده شود این عبارت بجهت صحیح نیست برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود یعنی چه؟

فهییم الملک - همان دیوان معاسبات خودش محاکمه است و رسیدگی کرده است و آن تقابل و خیانتی را که نسبت باو می دهد ثابت کرده است که تقابل و خیانت کرده است اینست که بعد از فرستادن فقط برای سیاست است برای اینکه سیاستی که باو تعلق می گیرد موافق قوانین معموله درباره او اجرا دارند.

حاج آقا - تصور میکنم که اشتباه شده است بواسطه این که چیزی که در دیوان معاسبات محاکمه می شود و دیوان معاسبات برای او محکمه است فقط در همان حساب کشیدن صاحب جمعیها و ماده حقوقی است که از طرف دولت آنحق باو داده شده است اما در سایر چیزهایی که بدیوان معاسبات راجع نیست نه حق محاکمه دارد نه حق حکم بجهت اینکه در اینجا اگر قضیه و روانه ای پیش آمده که دو جنبه و دو وجهیت داشته باشد يك جهت مالیه که راجع بدولت باشد و دیوان معاسبات ثابت کرده است که این مبلغ را بدهکار است البته موافق آنچه که دیوان معاسبات ثابت کرده است دین است بر او و باید بدهد در ضمن در مقابل اسنادی که باید بدولت بدهد اگر کاغذ سازی کرده باشد یا نقلی در سند کرده باشد این يك جهت محاکمه جزائی است این يك جهت محاکمه جزائی است که خیانتی جزائی است که باید بتوسط مدعی العموم عدلیه در محکمه جزا محاکمه شود و آن مجازاتی را که برای او مقرر میکنند معین است که باید در عدلیه اجرا بشود و از این جهت البته باید در عدلیه محاکمه شود از همین جهت هم بود که بنده میگفتم باید از طرف دیوان معاسبات به مدعی العموم اطلاع داده شود تا مجازات شود.

مؤتمن الملک - فقط میخوانم مرض کم که شخصیکه کارش رجوع می شود بعد از آنجا باید رسیدگیهای دیوان معاسبات را مآخذ قرار بدهند و سیاست بکنند و الادب باره از سر نمی توانند رسیدگی و محاکمه کنند و اما اینکه میگویند چرا بعد از رجوع میشود بجهت اینستکه قوانین ما میگوید کسیکه دزدی کرده از شش ماه تا دو سال باید حبس شود دیوان معاسبات یقین این حکم را نمی کند رسیدگی می کند بعد از رسیدگی کرد می فرستد بعد از آنکه عدلیه مجازات برای او معین کند و اینکه میگویند باید رجوع بعد از رسیدگی برای اینستکه عدلیه رسیدگی دیوان معاسبات را مآخذ قرار می دهد می بیند چه مجازاتی در حق این شخص قرار بدهد (گفته شد صحیح است)

مهرز الملک - بنده تصور نمیکنم بشود در يك محکمه ای که صلاحیت دارد رسیدگی و محاکمه کند بگوئیم تو حق نداری در باب فلان چیز حکم بدهی اگر دیوان معاسبات حق دارد يك قصصی را راجع بکنند آنوقت آن يك محکمه است که

باید صلاحیت حکم را هم داشته باشد و الا اگر بگوئیم که دیوان معاسبات يك محکمه است که فقط حق این را خواهد داشت که رسیدگی کرده و جمع آوری کند آن چیزها را که بر او وارد می شود آنوقت رسیدگی می کند و رجوع می کند به عدلیه در آن خصوص و جهت دیگر حق محاکمه را نداشته است و فقط در آن قصصیکه در دیوان معاسبات ثابت شده است حکم بدهد و اجرا نماید و این را بنده تصور نمیکنم و تصدیق نمیکنم زیرا دیوان معاسبات يك محکمه است که در يك مقداری از امور صلاحیت رسیدگی دارد مثلاً رسیدگی می کند بحساب يك صاحب جمع در ضمن ثابت می شود که او فلان مبلغ مال دولت را برده است و او در باب آنچه که راجع به مالیه است حکم می دهد که مالیه دولت گرفته شود پس يك طرف کار که راجع بگرفتن و دادن است آن محکمه تکلیف خودش را ادا کرده است و حکم داده است که اشخ و اجرا کند اگر بگوئیم آن صاحب جمعی که مال دولت را تلف کرده است باید در محکمه عدلیه رسیدگی بشود یعنی هم قصص او ثابت شود و هم اینکه مجازات داده بشود این بنظر بنده صحیح نمی آید.

حاج آقا - بنده با آقای مهرز الملک کاملاً موافقم و باید معلوم شود که حکم محکمه دیوان معاسبات بمنزله يك شهادی است يك زمین يك بینه يك دلیلی است برای محکمه جزا که محکمه جزا آنرا يك بینه میگیرد برای يك حکمی که خواهد کرد و عراضیکه بنده کردم و فرمایشاتیکه آقای مؤتمن الملک کردند در مقدمات یکی بود ولی در نتیجه باهم متباین بود و تصور میکنم که خود آقای مؤتمن الملک اگر تأمل فرمایند تصدیق کنند که هر اید بنده با فرمایشات ایشان هیچ منافاتی ندارد چیزی که هست آنچه یک از طرف دیوان معاسبات پیشنهاد میشود محکمه جزا آن در زمینه يك شاهد و يك دلیل و يك بینه است بواسطه اینکه فرض کردیم که دیوان معاسبات هیچ حکم نکرده است در خیانت او و حکم کرده است در يك دینی که از برای او نیست بهمان حکم برای محکمه جزا که باید محکمه جزا از روی آن چیزی که دیوان معاسبات استکشاف کرده است يك فرینه و يك بینه بدست بیاورد و در مقام حکومت خودش آن يك شهادی باشد برای اثبات يك مطلبی والا بدون اینکه ما بگوئیم يك حکومتی محکمه جزا در این خصوص دارد نباید که اینطور بگوئیم که محکمه جزا آن مطلبی که از طرف دیوان معاسبات باو رجوع شده است آنرا شهادی برای خودش قرار می دهد فقط در باره آنچه یک راجع باو بوده است و با النسبه به حکم جزائی استکشاف کرده است یعنی استکشاف کرده است که آن حاکم را که داده است تقابلی بوده است این موضوعی که خودش استکشاف کرده است که آن صندی را که داده است تقابلی بوده است باید به محکمه جزا ارائه بدهد و محکمه جزا باید آن رسیدگی را مآخذ و میزان قرار بدهد آنوقت در مقام محاکمه آن شهادی باشد که بطریقیکه در

قانون مجازات مجازات این نمره خاتمه مقرر است حکم بدهد و مجازات بدهد
مشیر الدوله - بنده موافق فقط می خواستم عرض بکنم که این قدری که مذاکرات می شود برای اینست که وقتیکه یک کاری از دیوان محاسبات رجوع می شود بدلیه معلوم است که در آنجا این مصالیکه در دیوان محاسبات کشف شده است ترتیبات مرتبی خواهد داشت این رسیدگی دیوان محاسبات جرح دلائل محکم که حکم خواهد کرد و بنده نمی دانم جهت این مباحثات در اینجا چه چیز است مقصود از این ماده فقط اینست که اگر یک تقاب و خیانتی از صاحب جمع مشاهده شود چون دیوان محاسبات خودش نمی تواند مجازات بدهد باید رجوع شود به محاکمات عدلیه فیر از این مقصودی این ماده ندارد این مذاکرات بی محل است.

معاضد الملک - اول با فرودن لفظ معاضد که زیاد شود باید در این رای بگیریم اگر تصویب شد بعد از آن باده رای بگیریم.

رئیس - پیشنهاد شده است که کلمه معاضد که زیاد شود باید در این رای بگیریم اگر تصویب شد که نهها والا بدون آن رای گرفته شود - ماده مزبور با اصلاح و اضافه لفظ معاضد که باین مضمون قرائت شد:

ماده ۶۷ - دیوان محاسبات هر گاه در ضمن رسیدگی حساب تقاب و خیانتی مشاهده کند مطلقاً با توسل مدعی العموم خود به مدعی العموم عدلیه و وزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ مینماید برای اینکه موافق قوانین معموله معاضد که و سیاست شود و در چنین موقع باید بقیه مدعی العموم دیوان محاسبات نیز خواسته شود.

رئیس - حالا رای میگیریم - کسانیکه موافق هستند با این ماده بطوریکه خوانده شد قیام نمایند (رد شد)

رئیس - حالا رای میگیریم باده ۶۷ بطریق سابق بود با سناط لفظ معاضد که بطوریکه در راپورت کمیسیون بود - کسانیکه موافقت قیام نمایند (غالب قیام و اکثریت تصویب شد)

رئیس - بانی این قانون برای جلسه آتی - دستور روز شنبه رای در باب توفیق ۱۸ هزار تومان بلدی بقیه دیوان محاسبات.

معاضد الملک - نتیجه انتخابات اعضای کمیسیونهای جلسه قبل - کمیسیون خارجه و حیدر الملک با ۲۹ رای - کمیسیون قوانین مالییه اسدالله خان با ۲۶ رای - کمیسیون پروگرام آقامیرزا رضای مستوفی با ۲۸ رای.

حاج عز الممالک - تقاضایمیکم که راپورت کمیسیون بودجه راجع بخارج مسافرت ۴ نفر شاگردان فارغ التحصیل مدرسه سیاسی که باید بفرنگ بروند در دستور گذاشته شود.

میرزا مرتضی قلیخان - طبع و توزیع شده است - مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد.

جلسه ۱۹۵
صورت مذاکرات روز شنبه ۲۸ شهری
ذی حجه الحرام ۱۳۲۵

مجلس در ساعت و بیست دقیقه قبل از فروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکا الملک تشکیل شد. صورت جلسه روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(فائین جلسه قبل)
 دهخدا - آقا میرزا اسدالله خان - بدون اجازه. آقا سید حسین اردبیلی - حاج و کبیر الرایا با اجازه.

حسن علی خان - مستشار الدوله - ممتاز الدوله آقا سید محمد رضا - دکتر اسمعیل خان - فقیه الملک حاجی مصدق الملک - حاج آقا - قوام الدوله - سیددار اعظم - سردار احمد - آقا میرزا ابراهیم قمی - در موع مقرر حاضر نشده.

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمایند.

(چون اظهاری نشد صورت مجلس را امضا نمود) راپورت کمیسیون فواید عامه به عبارت ذیل قرائت شد:

۲۸ ذی حجه نمره ۳۲ از کمیسیون فواید عامه به مجلس شورای ملی تقاضای وزارت بست و تلگراف راجع به ساختمان یک دستگاه پستخانه و تلگرافخانه در سرحد جلفا در کمیسیون فواید عامه و بست و تلگراف موضوع مورد بحث قرار داده شد نظر بحفظ شئون دولت که کمیسیون ساختمان پستخانه و تلگرافخانه را در سرحد جلفا تصویب نموده تعیین بخارج و مصارف آرا موقوف تصویب کمیسیون بودجه میدانند.

رئیس - این راپورت کمیسیون فواید عامه را باید رجوع کنیم بکمیسیون بودجه بعد از آنی که راپورت داد جزء دستور گذاشته خواهد شد.

راپورت کمیسیون بودجه به مضمون ذیل قرائت شد: شرحی از وزارت مالیه رسیده بود مبنی بر اینکه در مجلس شورای ملی رای داده اند که سالانه هجده هزار و شصت و سه تومان بترتیب مقرره ماهیانه بداره بلدی بدهد شوی ولی تصریح نگردیده است که این میزان فقط برای سنه ماضیه و تقاضای قبل بوده بادره هائیکه این مبلغ هم باید این ترتیب مجری شود و دیگر اینکه چون قانون اداره نواقل از مجلس گذشته است و عایدی آن جمع اداره بلدی است با داشتن عایدات منظم اداره بلدی محتاج نخواهد بود با تنگدستی دولت هر ماهه مبلغی از مالیات ملکاتی را دریافت دارد کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکرات نموده و اینطور صلاح میدانند که تا وقتی که قانون مالیات وسائط نقلیه بموقع اجرا گذاشته نشده است بترتیب معمول سابق رفتار نموده و سالی ۱۸۰۶۳ تومان را ماه بماه وزارت مالیه بدهد ولی هر وقت مالیات نواقل معمول و مأخوذ گردید دیگر این مبلغ داده نشود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - شرحی است که از وزارت مالیه نوشته اند (لا محاله وزارت مالیه بقراردیل قرائت شد).

این نباید تصویب ود تا اینکه ما بدانیم یک بلدی صمیمی داریم و این پول را برای چه میدیم.
فقیه الملک - این مطلب در چند ماه قبل کمیسیون بودجه که هنوز برقرار بود از طرف مجلس رجوع شد با تجاوز آنجا مذاکره شد رای کمیسیون اصلتاً همان است که عرض شده است که چون از محل نواقل یک عایدی به بلدی می رسد دیگر از عایدات معنی و مالیاتی مملکت چیزی نباید بآنها داده شود یعنی آن ۱۸ هزار تومان و کسری را که از قدیم الا با ما سه ساله با هم بلدی میگرفته اند تا زمانی که مالیات نواقل تصویب نشده بود تصویب میکردند که از وزارت مالیه بگیرند بعد که مالیات نواقل معمول شد دیگر او را تصویب نکرد کمیسیون که دانمشود حالا آن فرمایشی را که آقای ارباب میفرمایند بر طبق یک کمیسیون ندارد وجهی را که به بلدی میدهند دیگر کمیسیون مفتش به مصرف رسانیدن و خرج آن نیست مفتش آن مجلس است کمیسیون و مجلس هم یک اندازه محق هستند که تقش بکنند راپورتی هم که بکمیسیون می آید کمیسیون باید ملاحظاتی لازم را کرده راپورت بدهد بعد از آن مجلس آن را تصویب یا رد میکند بسته با اکثریت است دیگر مسئول تقش او نخواهد بود که آیا این مبلغ را خرج کرده اند یا نه نگرداند چه شده است و این تقاضاهائی که شده است چون در اول دولت جدید بود که شروع بیک کارهایی که وعده میدادند خواهند کرد باین ملاحظاتی کمیسیون این وجه را تصویب کرد دیگر کمیسیون چه میدانست که ۸ ماه بعد از این کوجه را را قدری گلش را بیشتر و بدتر میکنند بلدی کمیسیون اینطور تصویب کرده است که چون عایدات نواقل را بگیرند از وزارت مالیه چیزی نگیرند مالیات نواقل منحصر باشد بخارج بلدی برای ترتیب خرج کردن او حالا مجلس یا وزارت داخله و وزارت مالیه ترتیب میدهند آن در جزء راپورت کمیسیون ذکر نشده است و ربطی هم بآن کمیسیون ندارد.

آقا میرزا ابراهیم خان - اینجاد و موضوع است یکی اینکه ما میگوئیم مطلقاً بلدی خوب نیست یکی اینکه بگوئیم اعضای متعصبه این بلدی صلاحیت ندارند و گمان میکنم که کسی نگردد که بلدی خوب نیست زیرا که جزء اعظم تنظیفات شهری است که برای حفظ نظافت و آسایش اهالی شهری بلدی از مهمات و لوازم است حالا اگر بلدی موقوف نشده اند باینکه جلب توجه اهل این شهر را بخودشان بکنند و یک خدمتی کرده باشند این ربطی به موضوع بلدی ندارد اما آنچه راجع به این تقاضای وزیر مالیه است بنده آنچه در نظر دارم این است که این ۱۸ هزار تومان و کسری از مالیاتهای بعضی اصناف شهر که بلدی در سابق میگرفت پس از طرح مالیات وسائط نقلیه در مجلس اینطور قرار شد که اگر مالیات وسائط نقلیه استقراری پیدا کرد و یک استقلالای گرفت که گنایت کرد برای لوازم

نظافت شهری این پول بلدی داده نشود و این پول غالباً به مصارف شهری و روشنائی شهر رسیده است بنده اینطور بیش خود تصور میکنم که این ۱۸ هزار تومان که داده شود بآن مالیاتی که از وسائط نقلیه حاصل بشود هنوز کم است برای نظافت یک شهریای تحت بزرگی مثل طهران و به چه وجه من الوجوه امروز نمیتوانیم بگوئیم که این شهر یک قدم رو بنظافت برداشته است و به چه وجه شخصاً تصویب نمیکند که این پولیکه بیشتر صرف نظافت شهری شده است حالا ضبط وزارت مالیه بشود بلکه لازم میدانم هم برای قوه مجریه و هم پیشنهاد میکنم بقوم گفته که یک نظر عمیق دقیق متوجه بفرمایند به اصلاحات بلدی و راضی نشوند که این شهر پای تخت اینطور یک صورتی داشته باشد که اگر کسی از خارج وارد شود بی الحقیقه انسان خجیل بشود مالیات وسائط نقلیه را بنده میدانم اصلاحیه میزانی امروز بالغ شده است و میدانم اساساً بچه ترتیب امروزه اداره میشود آیا این هیئتی که نتوانسته اند تا کنون خودشان را اداره کنند موفق خواهند شد اداره کردن و گرفتن این وجه گرفته بشود و به مصرف خودش میرسد یا چیزی لازم میدانم که ما هم تصویب کنیم بلدی و در اجرای آن وجهیکه از عایدات معصوم یعنی از خود این شهر مالیاتی که باید میشود خرج نظایفات خود این شهر شوند هیچ راضی نشویم که ما هم ما بر این طریق و زندگانی ما در این شهر باین ترتیب باشد که از گفتن آن شخص متفرست و این هجده هزار تومان را با سایر وجوهیکه در بانات میشود بنده تصویب میکنم که توسط یک بلدی صحیحی صرف اصلاحات این شهر بشود.

رئیس - برای اینکه مذاکرات طولانی نشود اینجا توضیح میکنم که موضوع مذاکره این است مادامیکه وسائط نقلیه دایره معمول نشده است رای داده اند که این مبلغ ۱۸ هزار تومان و کسری داده شود وقتی که دایره دیگر نرفته حالا بالاخره رای خواهیم گرفت بر این راپورت و از مراسله ای که از وزارت مالیه رسیده است معلوم میشود که وسائط نقلیه از اول قوس دایره شده است که اگر مجلس این وجه را توفیق کند عایدات وسائط نقلیه به بلدی داده میشود حالا در این باب خوب است که بترتیب مخالف و موافق مذاکره بشود این که به بلدی یا بالاخره مجلس این راپورت کمیسیون را تصویب خواهد کرد یا خیر.

حاج آقا - بنده بعد از آن تقریری که آقای رئیس کردند و آن بیانی که آقای افتخار الواعظین در باب ۱۸ هزار تومان کرده اند اگر چه بنده حاضر نبودم ولی گمان می کنم که دیگر این هیچ قابل رای گرفتن و گفتگو نباشد بواسطه اینکه موضوع ۱۸ هزار تومان را اینطور بیان کردند و در مجلس رای گرفته شد مادامیکه مالیات وسائط نقلیه بر قرار نشده به بلدی داده شود برای یک اصلاحاتی که و کلاً در نظر داشتند و بدینخانه آن ۱۸ هزار تومان و سایر چیزهای دیگر را هم گرفتند و فقط مخصوص به ماش اشخاص شده حالا بنده بهمین طریق که فرمودند در مجلس گذشته است هیچ رای گرفتن در این لایحه راپورت را صحیح نمی دانم بواسطه اینکه از اول قوس که این مالیات نواقل دایره شد مدت دادن این ۱۸ هزار تومان تمام شد و اگر

خواهند بعد یک خبری بدهند باید پیشنهاد کنند به مجلس و اگر تصویب کرد بگیرند ولی در ضمن موقع را منتظر بشمارم که این عرض را بکنم که ما هر چیزی را که در مجلس آمد و راجع به اصلاح یک اداره که اصلاح آن راجع به یک وزارت خانه بود و ما راجع کردیم بآن وزارت خانه که اصلاح آن اداره را بیک ترتیبی مقرر کند و به مجلس پیشنهاد کنند با قطع رفت آنجا و ماند و هیچ خبری از او نرسید دیگر نمی دانم ترتیب بلدی چه شد آن ۱۸ هزار تومان را که میگرفتند بچه مصرفی رسانیدند و در این موقع که ۱۸ هزار تومان نمیتوانست یک دست مقنون مسلح برای ما تهیه بکنند این ۱۸ هزار تومان را دادیم چیز دیگری دادیم از هزار جای دیگر هم دادیم از کمیانی و غیره هم گرفتند و نفقه میدیم چه شد فقط محل ماش اشخاص شد و هر چه گفتیم حساب بلدی را بیک طوری وزارت خانه که مرجع آن کار است بنویسد و بدهد هیچ قایدهای نگردد و حالا هم لایحه نوشته اند و آمده است به مجلس بنده هیچ تصور نمیکنم که این ترتیب ما را یک سر منزلتی برساند.

رئیس - در باب این ۱۸ هزار تومان که فرمودند مجلس رای داد و مشروط بشرطی نکرده اند آنوقت مالیات نواقل هم برقرار نشده بود در مجلس رای داده شد بر اینکه از برای مخارج بلدی ۱۸ هزار تومان در وزارت مالیه داده شود یقیناً که مذکور شده است حالا مسئله در این جا است که حالا که مالیات نواقل دایره شده است و بلدی میگیرد باز این ۱۸ هزار تومان داده شود یا داده نشود پس باید رای گرفت که این وجه داده شود یا داده نشود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - خوب است الان متذکر باشند ابتدای این تصویب را تا معلوم شود که رای بر این داده شده است در ابتدای مجلس یکی از آن امورائی که رئیس مجلس عنوان کردند که باید به کمیسیون رجوع شود مناقشه بین بلدی و مالیه بود که نوشتجات متعدد در این خصوص از وزارت مالیه و داخله رسیده بود که بلدی بعضی وجهاتی که متعلق به وزارت بود اخذ میکرد و مالیه امتناع داشت از اینکه او بگیرد برای اینکه آن ها را خاص خود می دانست باین جهت یک کمیسیون مخصوص معین شد برای این مطلب که این مسئله معلوم شود که چند نفر از اعضای آن کمیسیون حاضر هستند یکی آقای مؤمن الملک یکی آقای حسن علی خان و بنده هم بودم و راپورتی که از آن کمیسیون به مجلس داده شد این بود که چون برای بلدی هیچ مالیات قانونی وضع نشده است که بگیرد پس نمی تواند یکی از این مالیات هائی را که حالا ضبط می کند بگیرد تمام آنها را باید وزارت مالیه بگیرد مالیاتی که بجهت بلدی مخصوص است آن مالیاتی است که از مجلس بگیرد و بوجه همایونی برسد ولی چون ممکن نبود که بلدی بدون هیچ مأخوذی باشد باین جهت کمیسیون این طور تصویب کرد که مادامیکه قانونی برای نواقل و عایدات بلدی نوشته نشده است این هجده هزار تومان و خورده ای داده شود مشروط باین شرطی که قبل از آنکه قانونی برای عایدات بلدی وضع شود باسم

احتمالاً و چراغ و غیره این ۱۸ هزار و شصت و خوردمای داده شود و قرار دادند که این را ماهیانه ماه به ماه بگیرد تا اینکه یک تربیتی برای عایدی او داده شود و آنوقت قطع شود پس عرض میکنم که این هیچ محتاج برای نیست بجهت اینکه آن ۱۸ هزار تومان را بطریق شهری تا اول قوس گرفته است و از اول قوس هم شروع کرده است بخاند مالیات نوافل که قانون آن از مجلس گذشته است پس در این صورت مطابق آن راپورتی که کمیسیون داده است و مجلس رأی داد و همین طور اظهار کردند بوزارت مالیه و داخله که بطور شدیدی ماهی هزار و پانصد تومان بگیرد بلدی تا وقتی که یکی از مالیاتها را که مجلس وضع کرده مجری شود و مالیات نوافل را هم از اول قوس شروع کرده اند و می گیرند و باید مجلس هم اطلاع بدهد به وزارت که از اول قوس از دادن آنوجه جلوگیری بکنند .

محمد شاه ششم میرزا - این جا نوشته است مادامی که وسایط نقلیه مرتب نشده است این وجه را بدهند عقیقه بنده این است که بنویسند مادامی که بلدی اصلاح نشده است توقیف بشود این پول بجزه مالیات مملکتی نیست باید بمصارف شهر برسد ولی مادامی که بلدی اصلاح نشده است دادن هیچ قسم وجهی صحیح نیست .

منتصر السلطان - بنده این جا در باب این ۱۸ هزار تومان و حقوقی که بلدی اخذ می کند یک چیزی می خواهم عرض بکنم که نمایندگان محترم در این باب هر چه صلاح بدانند بفرمایند شهر بمنزله یک نفر انسان می ماند پس طهران لوازمات خودش را مثل یک نفر انسان که لوازمات دارد باید داشته باشد و این ۱۸ هزار تومان که در این جا مذاکره شد که از بابت تطبیقات شهری و چراغ مصرف بشود ۶ هزار تومان و کسری از آن مالیات شهری بوده بقیه از اصل مالیات مملکتی گرفته می شود و تا امروز که نگاه می کنیم از همین مالیات نوافل که از مجلس گذشته و می گیرند بطرز غیر مستقیم خبر رسیده که از پنج شش دروازه های این شهر هر یک روزی ۵۰ تومان می گیرند غیر از درشکه و کالسکه و سایر نوافل که در سر ماه تقریباً ۲۰ هزار تومان می گیرند پس ما باید قدری دقت و ملاحظه کنیم وضع مردم این شهر را و فوراً ترتیبات بلدی را ملاحظه نموده از سر خودمان رفع کنیم یا رسال اهالی این مملکت بیچاره فریب ۸۰ هزار یا صد هزار تومان برای کسر نان و برای سهولت امر نان که فشار آوردند به مجلس شورای ملی و پاره ای از نمایندگان محترم از طرف مجلس شورای ملی رفتند خدمت حضرت سردار اسعد و سیه دار اعظم و در آنجا مذاکراتی کردند و اختیاراتی دادند برای گندم در صورتی که این قبیل کارها را بحال بلدی است و همه کسی می داند که برای نانی که ما اینجا باید بخوریم نباید رعیت سیستان یا بلوچستان پول بدهد امسال هم همین طور پیشنهاد شد که ما و کلاً ۲۶ هزار تومان اعتبار بدهیم برای نان این

شهر ۶ هزار خروار هم جنس بفرند که ما خودمان حساب کردیم تقریباً ۵۰ هزار تومان می شود این دو فقره پارسال و امسال ۱۰۰ هزار تومان است که بمصرف نان تنها رسیده است در صورتی که باید بمصرف این ملت و مملکت برسد شما چه گونه راضی می شوید که این جا برای شما دریاچه ها و مردابهای گل بلدی درست کند و بیوضی مصارف غیر صلیحه برسد بنده عقیده ام این است که اگر نمایندگان وظیفه خودشان عمل بکنند و قدری تأمل بکنند رأی می دهند که این ده هزار تومان یا کمتر یا بیشتر که قرار گذاشته اند از نوافل گرفته می شود و در هر ماهی یک عرش را هم قرار گذارده ایم برای کوبیدن آله اطفال و دیفتری و غیره مصرف شود این را هم وزارت مالیه بک نوع قرار می باید بگذارند که از طرف دولت این پولهای دولتی را پس بگیرند چگونه شما که نمایندگان ملت هستید راضی می شوید که هر ساعت بیایند و یک فشاری بیاورند و شما ساکت باشید و هیچ نگویید مثل این که بگویند که حالا این ۱۸ هزار تومان را با این که وسایط نقلیه را می گیرند باید بدهید این را بنده خیلی استعجاب کردم که تمام بیک لایست و ملاطفتی و گذار کرده اند این پولها را مگر حقیقت یک چیزهای سرسری خیال می کنید و وظیفه خودتان را بدقت مراعات نمی کنید بنده امیدوارم که در این باب بیشتر از این دقت بکنید و وظیفه خودتان را بهتر از این مراعات بفرمائید .

رئیس - مذاکرات زیاد در این باب لازم نیست صورت مجلس سابق را در این باب رجوع کردیم در آنجا مشروط بشرطی نشده است که مادامی که مالیاتی برای بلدی وضع نشده است بنا شده است این پول داده شود این عبارت صورت مجلس سابق است و رأی گرفته می شود موافق تصویب کمیسیون آنچه از آلات نقاله عاید می شود و ۱۸ هزار و شصت و سه تومان نقد موافق صورت جزئی که از وزارت مالیه پیشنهاد شده است سابقاً عاید بلدی گردیده بمصارف لازمه بلدی برسد اگر این مبلغ مخارج لازمه را کفایت نکند در ثانی عوارض جدید ایجاد و بعد از این که صورت قانونی پیدا کرد بموقع اخذ و عمل خواهد رسید بر حسب این عبارت باید حالا که مالیات وسایط نقلیه وضع شده است این ۱۸ هزار تومان و کسری داده شود و مشروط بشرطی نیست .

حسنعلی خان - بنده همین قدر عرض میکنم که خوشبخت ترین ممالک اهالی آن مملکتی هستند که بیشتر مالیات می دهند مثل اینکه می بینیم متهم ترین مردم آن مردمانی هستند که مالیات بیشتر میدهند از عوارض معالی و مالیات مملکتی وقتی که سرشکن می کنند می بیند هر مملکتی که ثروتش بیشتر است افرادش بیشتر مالیات میدهند ولی این مطالب را باید همیشه در نظر داشته باشیم که این تعبیلی که بفرمود مردم می کنیم و این مالیاتی را که از آنها میگیریم باید بر آن مردم بفرمائیم و آن مردم حس بکنند که در عوض آن مالیاتهایی که بر آنها تحمیل میشود

در ازاء آن یک چیزی هم در مقابل می بینند مثل اینکه مالیات مملکتی که از اهل مملکت میگیرند صرف حفظ ناموس و حدود رفتار و حفظ جان و مال آنها میشود و همینطور آن عوارضی را که تحمیل می کنند با افراد یک شهری باید در مقابل آسایش اهالی آن شهر را فراهم نمایند ولی بدبختانه و متاسفانه مجبورم عرض کنم که فقط چیزی که از مشروطیت فهمیده ایم این است که ما بگوئیم چون در سایر ممالک مشروطه «کنسی دتا» دارد ما هم باید داشته باشیم چون بلدی دارد سنا دارد ما هم باید داشته باشیم بنده عرض نمی کنم آن ممالکی که اینها را دارند احتیاج داشته اند و اول زمین را حاضر کرده بعد تاسیسات آنرا کرده اند و آنها را درست کرده اند هیچوقت در هیچ جای دنیا نمیشود گفت از یک مردمی پولی را بگیرند و بیک دسته مردمی بدهند که می مدیرمسئول و منشی درست بکنند بنده عرض می کنم که اگر شخص بنده ماهی دوستانه تومان عایدی داشته باشم یک نوکر میگیرم ماهی پنج تومان و ماهی یکصد و نود و پنج تومان دیگرش را بیای می مصارف میرسانم اما بودجه بلدی را که بنده دیده ام و چاپ کرده اند خودشان بطوری که چاپ کرده اند درامد دوهزار و دویست تومان موجب میگیرند و موافق بر آوردی که کرده اند از ماهی ۵۰۰ تومان مخارج و مصارف شهری می کنند مقرر فرمایند برای ۵۰۰ تومان مخارج هیچ سفهی دوهزار و دویست تومان موجب بدهد باید بیک نفر چهل تومان داد و گفت این ۵۰۰ تومان را خرج بکنند نه اینکه آنقدر موجب بگیرند و بروند آنرا در آن خیابان یا این خیابان بیاورند بنده استدعا می کنم این خیابان شاه آباد را که و کلاً همه روزه از آنجا عبور می کنند ببینند صاحبان این خانه ها تمام زیر زمینهاشان رطوبی شده دیوارهایشان تمام خواهد خوابید برای اینکه بلدی میخواهد آبهای این شهر را اداره کند ولی تفهیمه بنده آنجا را نمیشود این شکل اداره کرد باید منبع درخارج شهر ساخت و بالوله های چندی درخانه های مردم داخل کرد و این کار پنج کروار خرج دارد و حالا آمده اند یک جوی گلی درست کرده اند و آبها را انداخته اند آنجا که خانه های مردم را پس فردا خراب خواهد کرد و در جزء این درختهایی هم که مال مردم بوده است انداخته اند مردم باید بدانند که وجهش بچه مصرف رسیده است چند چرخ کالسکه در این خیابان شاه آباد شکسته است که بنده چشم خود دیدم چند پای اسب در این سوراخها رفته است و شکسته است که صاحبش ماهی ۲۵۰ قران باید بدهد و دست اسبش هم بشکند بنده عرض می کنم اگر مالیات وضع می کنند و از اسب و کالسکه مالیات می گیرند برای این است که صاحب کالسکه بدانند که دیگر چرخ کالسکه او خورد نمیشود چه دلیل دارد که هم چرخ کالسکه او خورد شود و خیابانها و کوچه ها باین ترتیب باشد و هم مالیات بدهد آن هیجده هزار تومان چنانچه نظر مجلس است رز اول بنا بر این بوده که چون مالیاتی وضع نشده بود داده شود برای احتساب و چراغهای شهر حالا همه

رئیس - بنده مجبورم بموجب نوبت آقایان را اجازه نطق بدهم .

آقامحمد - بنده با آقای حسن علی خان موافقت دارم فقط دو کلمه عرض دارم .

رئیس - اگر موافقت دیگر مذاکره لازم نیست تمام حرف ها مان را که نباید درس این مطلب برانیم میخواهیم بدانیم که این ۱۸ هزار و کسری باید داده شود یا نباید داده شود

لواءالدوله - بنده نمایانم از بدبختی یا خوشبختی است که اینطور شده است بنده در دوره سابق خود در بلدی بودم این وجه را برای مصارف این شهر میبندم حالا نوافل را چه شکل احداث کردند برای چه کردند برای چه کردند برای این بود که خیابانها خراب نشود کالسکه ها درست برود و چرخها نشکند نوافل برای این بود حالا هم دولت بایست اگر بخواهد مالیات را در این مملکت زیاد کند بغیابانها برسد این هیچ صحت ندارد هر مملکت قانونی و مشروطه بایست بلدی داشته باشد البته اینکه باید در تحت نظارت یک وزارتخانه ای باشد بیک روزی که از او پرسید اگر بنشیند بگوید ما بلدی بخواهیم داشته باشیم نباید شنید شاید بعضیها بگویند که بالاتر از این هم بخواهیم این وجود بلدی یکی از لوازم مشروطه است اما در تحت نظارت وزارت داخله باید باشد یاخیر ؟ وزارت داخله این پول را میگیرد و نظارت میکند یاخیر ؟

رئیس - موضوع بودن و نبودن بلدی بانظارت وزارت داخله نیست موضوع دادن و ندادن این هیجده هزار تومان است که بدهیم یا نه

لواءالدوله - باید این ۱۸ هزار تومان را بدهیم ولی بانظارت یک وزارتخانه که بمصرف برسانند

ارباب کبخسرو - عقیده بنده این است که کلیتاً باید وزیر مخصوص مذاکره شود مگر اینکه وزیر مالیه و وزیر داخله هر دو این جا حضور داشته باشند که هم از بابت حساب گذشته شان معلوم کنند و هم حالیه شاید این ۱۸ هزار تومان را لازم داشته باشند و الا بطور نمی شود رأی داد پس باید این را موقوف کنند بحضور وزیر مالیه و وزیر داخله

معاذالملک - بنده هم تأیید میکنم اظهار آقای ارباب کبخسرو را که وزارت مالیه بدون مطالعه یک لایحه ای پیشنهاد مجلس کرده است اول میبایستی دقت کنند در عایدات بلدی که ببینند عایدات و مصارف بلدی امروز چقدر است و مصارف را معین کنند که

معلوم میشود که مردم تحمیل شده است این هیجده هزار تومان را دادند که بعضی دفترها و معاونین درست بکنند و بعضی اشخاص را آنجا بنشانند آن روز این را دادند ولی امروز بنده عرض می کنم همینطور که گفته شد باید توقیف شود تا یک روزی که بلدی بصلاح شود و آن روزی هم که دارای بلدی شدیم بنده عرض می کنم مخارج شهر شما چهار هزار تومان و پنج هزار تومان نیست باید اقل در سال یک کروار خرجش بشود از برای اینکه همیشه پاکیزه و نظیف باشد و اما در خصوص مالیات هروقتی که میگویند از اول قوس شروع کردند و میگیرند باید تحقیق کرد و دید که کی رسد کی می کند چقدر عاید میشود و بتوسط کی بمصرف میرسد و چقدر مصرف میشود .

حاجی دکترا رضاخان - بنده هم عرض میکنم عرضی که میکنم قانونی نخواهد بود بواسطه اینکه مدت ماضی زیاد است و کوچهای ما خیلی گل است در این یکساله که ۱۸ هزار تومان یا کمی بیشتر بلدی بدهیم لازم بود یک خرج اساسی بشماند در صورتی که اداره بلدی بنا باشد شهری را درست و تطبیق کند یک مخارج علیحده لازم دارد آن ۱۸ هزار تومان یا بیشتر که خرج اساسی میشده باید خرج بشود اگر عایدی آن زیاد شود خرج اساسی شد یک جاوه ای خواهد کرد و اگر عایدی نداشته باشد مثل یک پارلسانی میماند که هیچ مالیاتی نداشته باشد در مملکت پس توقع فوق العاده از بلدی نباید کرد و هیچ کاری از پیش نخواهد رفت ما باید بدانیم که این مالیات نوافل که حالا یکماه است می گیرند صورت عایدی او چقدر است آیا کافی برای مخارج اساسی و تعمیرات خواهد بود یاخیر ؟ یکمشرش که برای حفظ الصحه است و یک مخارجی هم که برمی دارد حالا اگر رأی بدهیم که این ۱۸ هزار تومان را بلدی بدهند باز دچار همین مشکل می شویم و باز باید این کله گذاری هارا بکنیم و باز یک روزی پیشنهاد خواهد شد که مخارج بلدی کم است و باید تصویب بکنیم همین ۱۸ هزار تومان را که به بلدی بدهند خوب است یک صورتی از عایدات بلدی داده شود که ببینیم و اما آن مقداری را که حالا می گیرند کافی است یاخیر ؟

آقاشیخ محمد خیابانی - عرض کنم بنده از طرف خودم و از طرف اشخاصی که موافق هستند باینده می خواهم عرض بکنم که محاق داریم که اخطار بکنیم که وقت مجلس ضایع نشود و این حق موافق نظامنامه داخلی است و در تریه آقای رئیس حس کردند که مذاکرات کافی است دومرتبه قبل و قال کردند و اجازه دادند ماده ۱۱۳ - رئیس قبل از اینکه مباحثه مطلبی را ختم نماید عقیده مجلس را کسب میکند اگر از بابت عدم ختم مباحثات اجازه نطق خواسته شد فقط بیک نفر اجازه داده می شود در صورتی که در این باب اخذ رأی لازم شد بواسطه قیام و قعود رأی گرفته می شود و هر گاه در نوبت اول و ثانی نتیجه مشکوک شده مباحثات اعاده میشود پس از ختم مباحثات دیگر یکسی اجازه نطق داده نمیشود مگر در باب ترتیب عبارتی که از روی آن مجلس باید رأی بدهد یعنی قبل و قال شود بعضی بگویند مذاکره کافی است بعضی بگویند کافی نیست هروقت که رئیس حس کردند که مذاکره تمام است و باید رأی بگیرند اگر قبل و قال شد فقط باید

یک نفر اجازه بدهد و بعد از آن اگر آن یک نفر حرف زد آنوقت آنهای دیگر مذاکره کنند نباید اجازه بدهند بنده تبلی سخت اعتراض میکنم بر آن کسی که نمیگذارد بموجب این نظامنامه عمل شود هروقت که رئیس حس کردند که مذاکره کافی است و اخطار کرد دیگر نباید مذاکره شود و باید رأی بگیرند این است که بنده بموجب این نظامنامه اخطار مینمایم که دیگر نباید مذاکره شود **رئیس** - مذاکرات هم دیگر از هر دو طرف بعمل آمد حالا رأی می گیریم در اینکه هروقت که مالیات نوافل وضع نشود دیگر این هیجده هزار تومان داده نشود .

[گفته شد وضع شده است] مجدداً راپورت کمیسیون بودجه قرائت شده

رئیس - ملاحظه می فرمائید وقتیکه کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکره کرده است مالیات نوافل وضع شده بود حالا این یک مطلب کلی است که هروقت مالیات اخذ شد این ۱۸ هزار تومان توقیف شود این جا حکم کلی می کنیم حالا در این باب رأی میگیریم بر این راپورتی که خوانده شد که هروقت بلدی این مالیات را اخذ کرد دیگر این ۱۸ هزار تومان را وزارت مالیه بلدی نخواهد داد کسانی که موافقت با راپورت کمیسیون بطریقی که خواندند قیام نمایند (بعضی هاقیام نمودند) بعضی اظهار داشتند که باید باورده رأی گرفت .

یک نفر اجازه بدهد و بعد از آن اگر آن یک نفر حرف زد آنوقت آنهای دیگر مذاکره کنند نباید اجازه بدهند بنده تبلی سخت اعتراض میکنم بر آن کسی که نمیگذارد بموجب این نظامنامه عمل شود هروقت که رئیس حس کردند که مذاکره کافی است و اخطار کرد دیگر نباید مذاکره شود و باید رأی بگیرند این است که بنده بموجب این نظامنامه اخطار مینمایم که دیگر نباید مذاکره شود **رئیس** - مذاکرات هم دیگر از هر دو طرف بعمل آمد حالا رأی می گیریم در اینکه هروقت که مالیات نوافل وضع نشود دیگر این هیجده هزار تومان داده نشود .

[گفته شد وضع شده است] مجدداً راپورت کمیسیون بودجه قرائت شده

رئیس - ملاحظه می فرمائید وقتیکه کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکره کرده است مالیات نوافل وضع شده بود حالا این یک مطلب کلی است که هروقت مالیات اخذ شد این ۱۸ هزار تومان توقیف شود این جا حکم کلی می کنیم حالا در این باب رأی میگیریم بر این راپورتی که خوانده شد که هروقت بلدی این مالیات را اخذ کرد دیگر این ۱۸ هزار تومان را وزارت مالیه بلدی نخواهد داد کسانی که موافقت با راپورت کمیسیون بطریقی که خواندند قیام نمایند (بعضی هاقیام نمودند) بعضی اظهار داشتند که باید باورده رأی گرفت .

متین السلطنه - عرض می کنم که رأی گرفتن با اوراق لزومی ندارد مگر اینکه تقاضا بشود بجهت اینکه در ماده (۸۵) نظامنامه داخلی میگوید که ماده (۸۵) - در مورد ذیل اخذ رأی علنی با اوراق حتمی است ؛ اولاً بعد از اینکه دو دفته بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد ثانیاً در تمام لواحق قانونی که اجازه مخارج می نماید ثالثاً در لواحق قانونی که مالیات و عوارضی بر قرار میکند و یا مالیات و عوارضی که سابقاً بر قرار بوده است تغییر می دهد این مربوط باین مطلب نیست ولی اگر یکی از نمایندگان محترم تقاضا میکند آنوقت ممکن است اخذ رأی با اوراق شود .

پیشنهاد آقای حاج آقا بدین مضمون خوانده شد: [بنده پیشنهاد میکنم که این هیجده هزار تومان موقتاً داده نشود تا وقتی که ترتیب بلدی صحیح شود آنوقت اگر مالیات نوافل کافی برای اصلاح بلدی نباشد بدهند آنهم بتصویب مجلس] پیشنهاد آقای معاضدالملک بمضمون ذیل قرائت شد ؛ (بنده پیشنهاد میکنم که این لایحه بوزارت مالیه اعاده شود که با وزارت داخله مذاکره نموده در ثانی راپورت مشروعی از عایدات و مصارف بلدی به مجلس پیشهاد شود تا رأی مجلس در این باب معلوم و معین شود)

رئیس - پس اول باید باین پیشنهاد آقای معاضد الملک رأی می گیریم [اظهار شد که باید مذاکره شود]

رئیس - ملاحظه فرمائید که اگر تصویب شد که این لایحه بر گردد به وزارت مالیه دیگر لازم نیست که در این خصوص مذاکره شود کسانی

شورای دولتی باید بتوسط وزارت مسالیه بدیوان محاسبات بفرستند بنده نمی دانم خوب است این را توضیح بفرمایند .

حاج شیخ اسدالله - مسلماً احکامیکه از دیوان محاسبات صادر می شود نقض آن راهمان طور که آقای مخبر فرمودند يك محكمه عالی تری باید بکنند ولی مجلس عمومی خود دیوان محاسبات بالنسبه از سایر معاکم آن عالی تر است ممکن است در همان جا نقض شود و دیگر باین ترتیبی که میفرمایند که بمجلس شورای دولتی برود یا اینکه بتوسط هیئت وزراء بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود اینها را بنده نمی بینم علاوه بر این همان طور که گفته شد مجلس با کمیسیون مخصوص مجلس کارش حکم یا نقض حکم نیست تا این که بگو رجوع شود همانطور که گفتند وظیفه مجلس وضع قانون است از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده بکلی تغییر کند و بطوری که عرض کردم در این موارد باید مجلس عمومی دیوان محاسبات تشکیل شود و رسیدگی کرده آن حکم را نقض کند .

وکیل التجار - مختصراً عرض می کنم اظهاری که می شود نباید آنرا تغییر عبارت عنوان کرد و رد نمود بنده عرض می کنم مسلماً وقتی که مجلس حق ندارد که يك حکمی را نقض کند به کمیسیون خودش هم نمی تواند حکم بکنند که چون صلاحیت ندارد تو این کار را بکن و اساساً مقصود از اظهار بنده هم این بود که وقتی که بنده مجلس صلاحیت این حکم را نداشته باشد بطریق اولی نمی تواند این کار را بیک کمیسیون خودش رجوع کند و اگر صلاحیت دارد و وقتاً مجلس شورای ملی می تواند این چنین حکمی را نقض کند آنوقت می تواند به کمیسیون رجوع کند اگرچه این صلاحیت و حق داشتن هم البته برای خود مجلس شورای ملی است و راجع است باینکه مجلس شورای ملی در این خصوص رأی بدهد که همچو حتی را دارد یا ندارد ولی اگر این باشد و مجلس این حق را نداشته باشد چنانچه عرض کردم باز تکرار می کنم که کمیسیون ابتدا چنین حقی را نخواهد داشت در این موقع دوقدره پیشنهاد بقرار ذیل قرائت شده (۱) - از طرف آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانی « بنده بهتر می دانم که آخر ماده چنین نوشته شود اگر تقاضای مزبور را قابل توجه بدانند يك هیئت فوق العاده برای نقض یا ابرام این حکم تشکیل می دهند »

(۲) از طرف آقای مشیر الدوله « در ماده ۷۰ بعد از - تفسیر نکرده است - نوشته شود - و یا از اصول معاکمات تخلف نمود و این تخلف بدرجه ای اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادره را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت » .

حاجی سید ابراهیم - بنده جواب آقای مشیر الدوله را که فرمودند دیوان محاسبات با ادارات مستقیماً می تواند مکاتبه کند عرض میکنم که در این مورد این قسم است و این مستلزم این نیست که مستقیماً حق مکاتبه نداشته باشد دیگر اینکه بنده بطوریکه

نوشته شده است صبح است مجلس نباید مقداری از وقت خودش را صرف نقض حکم دیوان محاسبات نماید مجلس شانس بالا تر از این است که حکم دیوان محاسبات را نقض بکنند و چون در مورد نقض حکم باید محکم دیوان محاسبات را يك محكمه ای که عالیتر باشد نقض بکنند از این جهت گفته اند که رجوع می شود بیک کمیسیون مخصوصی که باینکار رسیدگی کند و باین وضع اشکال آقای وکیل التجار هم دارد نمی آید خوب است رأی بگیرند که بیش از این مذاکره نشود .

آقا شیخ ابراهیم - چون این ترتیب از روی قانون عثمانی است که برای اینطور از موارد يك دیوان املاتی تشکیل میکنند که آنرا [کنسی دتا] میگویند و چون در موقعیکه « کنسی دتا » یعنی مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است این کار رجوع شده است به هیئت وزراء با ذوق و زرا است که يك هیئتی تشکیل بشایند از برای نقض و ابرام این حکم والا مجلس یا کمیسیون مجلس قضاوت بکنند یا نقض و ابرام يك حکمی را بنمایند هیچ صحیح نیست این مطلب چون راجع است به هیئت وزراء همین که هیئت وزراء آن تقاضای را تسابل توجه دانستند يك هیئتی را معین می نمایند که آن حکم را نقض و ابرام بکنند .

فهییم الملک - هیئتی را که هیئت وزراء تشکیل بکنند از برای نقض و ابرام حکم دیوان محاسبات با خود هیئت وزراء تفاوتی نخواهد داشت و همان ایراداتی که به هیئت وزراء وارد است باین هیئت هم توجه خواهد شد و ناماینکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است عیناً باید يك هیئتی را که بکلی مجزا و منفک از هیئت وزراء باشند یعنی يك نفر شخصی را ملاحظه نداشته باشد فرض کرد که اینکار را بکنند و این هیئت را هم از مجلس شورای دولتی گذشته جزء همین کمیسیون مخصوصی که مجلس انتخاب نماید کمیسیون صلاحیت ندارد از این جهت اینطور نوشته شده است .

آقای میرزا ابراهیم - بنده عرض میکنم عرض و یا مرجعیت آن کار را نداشته نوشته شود و یا حق مراجعه بآن کار را نداشته بهتر است .

مشیر الدوله - بنده می خواستم همین قدر عرض کنم اینکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که این کار بتوسط هیئت وزراء خواهد شد بنده عرض میکنم هیچ لازم نیست که بتوسط يك وزارت خانه این مناقشه واقع شود ما اینگونه که این نقض را به معاکم استیفاء و سایر معاکم عدلیه میفرستیم این معاکم خودشان می توانند استیفاء بخواهند و می توانند نقض بکنند منتها بمراتب معین شده است که کارهای اینها تفتیش و تمح و نقض می شود و در این خصوص هم هیچ تفاوتی بین حساب و غیره نیست که این ماده در مورد حساب است یا نقض حکم یا غیر آن و ایراد بنده هم ایراد اصلی و اساسی بود و به چه وجه باین جوابها متقاعد نشده ام .

فهییم الملک - اینجا يك ملاحظه بود و آن اینست که این فرمایشی را که فرمودید در موقع شور کلی این ملاحظه کرده که دیوان محاسبات را آیا باید داخل

در چه توامی بدانید داخل کدام يك از قوه قضائیه و قوه اجرائیه و قوه مقننه است و باید آنرا يك وزارت خانه بدانیم که مستقیماً ملاحظاتی خودش را بمجلس بفرستد یا اینکه در تحت ریاست وزارتخانه دیگری است این مذاکرات تمام بعمل آمد این بود که اینجا هر چه نوشته شد این قسم بود که دیوان محاسبات ملاحظاتی خود را بسایر چیزها از قبیل راپورت سالانه و غیره را باید بتوسط وزارت مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند از این جهت بود که نوشته شد حکم نقض هم بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات فرستاده شود .

مجدداً پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم خوانده شد **رئیس** - رأی می گیریم - کسانیکه پیشنهاد آقای آقای شیخ ابراهیم موافقت نماید نمایند (با اکثریت رد شد) .

پیشنهادی از طرف شاهزاده اسان الحکماء بمبارت ذیل خوانده شد : « این بنده پیشنهاد میکنم که این جمله افزوده شود بکمیسیون مخصوصی که عده اعضاء آن از درازده نفر کمتر نباشد » .

مؤتمن الملک - این پیشنهاد مائیکه شده است اساساً صحیح است ولیکن بعضی ملاحظاتی هم دارد از این جهت عقیده بنده این است که این ماده را بر گردانید بکمیسیون و آقایانیکه پیشنهاد کرده اند آنجا تشریف بیاورند و ملاحظاتی خودشان را بگویند بعد از مذاکره اصلاح شده بمجلس بر گردد **فهییم الملک** - بسیار خوب رجوع شود بکمیسیون که تجدید نظری در آن بشود .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله هم پیشنهادی کرده اند رجوع میشود بکمیسیون **ماده (۷۱)** که کمیسیون العاق کرده بود بقرار ذیل قرائت شد :

« در صورتیکه حکم دیوان محاسبات نقض شود مجدداً در مجلس عمومی رسیدگی و معاکم بعمل آمده و حکم قطعی صادر می شود »

حاج شیخ اسدالله - در صورتیکه پیشنهاد بنده رجوع شده است بکمیسیون بنده هم تقاضا میکنم که این ماده هم چون مربوط بآن ماده است بکمیسیون برگردد که با ماده قبل تائید پیشنهاد شود .

فهییم الملک - این ماده مربوط بآن ماده نیست برای اینکه آن هیئتی است که باید رسیدگی بکنند صادر شده دیوان محاسبات کرده آنرا نقض کنند و این هیئت برای تجدید نظر است که بعد از آنیکه حکم دیوان محاسبات نقض شد در مجلس عمومی مجدداً آن حکم مطرح شده رسیدگی بکنند و حکم قطعی صادر شود و همین ملاحظه هم بود که نمیشد نقض حکم را بمجلس عمومی رجوع کرد .

حاج شیخ اسدالله - بنده با عرض خودم را تجدید میکنم در صورتیکه بعد از رجوع بمجلس شورای دولتی یا کمیسیون مجلس باز باید در مجلس عمومی مطرح شود پس خوب است از اول بمجلس عمومی رجوع شود که هم نقض حکم نماید و هم رسیدگی کرده حکم قانونی بدهد . **رئیس** - رأی میگیریم بر ماده (۷۱) بطرفی که خوانده شد - کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با اکثریت تصویب شد .

رئیس - حال در دقیقه تنفس میشود . بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد . **رئیس** - خدمت آقای مدرس با کمال مسرت بجهت ورودشان بمجلس شورای ملی عرض تبریک بکنم و دعوت میکنم که بموجب قانون اساسی مراسم تسمر را بعمل بیاورند .

مدرس - بنده هم تشکر میکنم و حاضر هستم . **رئیس** - بفرمائید در این موقع آقای آقا سید حسن مدرس نمشه بعمل نطق آمده مطابق صورت قسمنامه مقرر در اصل (۱۱) قانون اساسی قسم بیاد نموده و رقه قسمنامه را امضاء نمودند .

آقای میرزا زاهر ترضی قلیخان - صورت استیضاحی است که از طرف آقای وکیل التجار نوشته شده قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارتگاه . چون از طرف وزارت مالیه در جواب سؤال بنده در باب پول نیکل که در سه ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ مسیحی وارد شده است و ترتیب هشت ماه طول کشیده بود کتباً جواب داده اند و صورت بنده شاهنشاهی را فرستاده اند لهذا در باب پولهای نیکل که در دو سه مزبوره فوق وارد شده است استیضاح دارم مستعین مقرر شود و زودتر جهت جواب حاضر شده مثل جواب سؤال مزبورین باب بتأخیر نبینانند .

ماده ۷۰ لایحه وزیر - درخواست تجدید نظر در مواقع ذیل قابل قبول است (۱) - سهوی در جمع یا خرج یا نمره یا زیان حساب واقع شده باشد (۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهتر ترتیبی که متصور است ثابت گردد که يك سندی ابراز نشده یا مکرر شده .

(۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه ای بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبوره در موقع تصفیه حساب بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد (۴) اگر آن حکم از روی اسناد جعلی صادر شده باشد - این درخواست باید در ظرف دو ماه پس از تاریخ حکم دیوان محاسبات واقع شود و قبل از شروع تجدید نظر دیوان محاسبات با اتفاق مدعی العموم مشاوره میکنند که آیا استعنای مأمور در باب تجدید نظر قابل قبول است یا خیر در سه شق اخیر تا مدت سه سال محکوم می توانند تجدید معاکم را بخواهند و این در صورتی است که محکوم ثابت نماید که فقط دو ماه است اسناد تازه را بدست آورده یا تکرار سند را ملتفت شده و یا جعلی بودن اسناد را مطلع گردیده والا حق مطالبه و تجدید نظر را ندارد کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود :

ماده ۷۲ - تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل قابل قبول است :

(۱) اگر سهوی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است (۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهتر ترتیبی که متصور است ثابت شود چیزی از قلم افتاده یا دو دفعه بحساب آمده است (۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه ای بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبوره در موقع تصفیه حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد (۴) اگر آن حکم از روی اسناد جعلی صادر شده و در باشد در سه شق اخیر بعد از انقضای مدت سه سال از

تاریخ صدور حکم تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحب جمع ثابت نماید که فقط دو ماه است فقرات از قلم افتاده یا فقرات مکرر شده را ملتفت شده است یا اسناد جدیدی بدست آورده و یا تصدیقی که در مقامات رسمی از بابت جعلیت سند داده شده است به استحضار اورسیده است .

حاج شیخ اسدالله - می نویسد تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل قابل قبول است - بنویسد تقاضای مواردش را و آن سه فقره است که ثابت کرده باشد اسنادی بوده و از قلم افتاده یا اینکه تکرار شده یا اینکه جعلی بوده است باین ترتیبی که اینجا نوشته شده است حالا میخواستیم بدانیم از کجا ممکن است این فقرات را ثابت کند و بعد از آنکه بشود رسید دیگر قابل توجه است یعنی چه بعد از آنکه در يك محكمه ثابت گردیدگی از این سه فقره را که خود آن حکم نقض میشود و اگر ثابت نشد است بکنند که نقض نخواهد شد ثبوت در کجا و چه ترتیب میشود .

فهییم الملک - خوب ملاحظه بفرمائید از این قبیل است که در حساب مثلا چهار پنج تاییست تا باید نوشته شود سهواً هیچده تا نوشته شده یا اینکه در موقع محاکمه يك سندی را از او خواسته بودند و حاضر نداشته است یا دسترسی بآن نداشته است پس این تجدید نظر راجع بتمام مطالب حکم دیوان محاسبات نخواهد بود راجع بیک دو فقره معین خواهد بود این است که اظهاراتی را که میکنند حقیقت دارد و میشود قبول کرد یا خیر میفرمایند چطور ثابت خواهد شد مثلا اگر سندی بدست آورده باشد بدیوان محاسبات ارائه بدهد و سند او را ملاحظه میکنند اگر صحیح است که ثابت میشود و این هم بتوسط خود صاحب جمع ممکن است بشود و هم بتوسط مدعی العموم والا دیگر يك محكمه علیحده قرار نمیدهند از برای اینکه اظهارات صاحب جمع در آنجا ثابت شود در همان محكمه که آن حکم داده شده و میرود اظهار میکنند اگر صحیح است که مدعی العموم با ادهمراهی میکنند که مجدداً رسیدگی شود .

حاج عز الملک - اینکه اینجا نوشته شده است بعد از انقضای مدت سه سال مقصود این است که تا سه سال مهلت داده میشود و بعد از سه سال باین ترتیب تجدید نظر قبول میشود و این است که بنده تصور میکنم که کلام « و بعد » تا « و » دیگر اینست که بنویسد تقاضای تجدید نظر وقتی قبول خواهد شد که صاحب جمع ثابت نماید که فقط دو ماه است فقرات از قلم افتاده یا فقرات مکرر شده را ملتفت شده است و بنده معتقد بقد دو ماه نیست بجهت اینکه لازم نیست که ثابت کنند که دو ماه است ملتفت شده یعنی اگر ثابت شده که سه ماه است ملتفت شده است تقاضای او قابل قبول نیست و بنده در کمیسیون مخالف بودم در این خصوص و حالا هم پیشنهاد میکنم که این ماده حذف شود .

فهییم الملک - يك تفسیر غریبی از جمله اول فرمودند که ایداً مقصود کمیسیون اینطور نبوده است اینکه نوشته شده است بعد از انقضای مدت سه سال یعنی تا مدت سه سال هر وقتی که بخواهد اعتراض بکنند میتواند ولیکن بعد از سه سال

وقتی حق دارد اعتراض کند که ثابت نماید که دو ماه دیگر حق اعتراض دارد و می تواند تقاضای تجدید نظر بکنند ولی اگر پنج شش ماه گذشت دیگر اظهار او پذیرفته نخواهد شد .

وقتی حق دارد اعتراض کند که ثابت نماید که دو ماه دیگر حق اعتراض دارد و می تواند تقاضای تجدید نظر بکنند ولی اگر پنج شش ماه گذشت دیگر اظهار او پذیرفته نخواهد شد .

آقا شیخ ابراهیم - تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل قابل قبول است خوب عبارتی نیست یعنی باین ماده تمساز د باید اینطور اصلاح شود تقاضای تجدید نظر در مواقع ذیل باید قبول شود .

فهییم الملک - مقصود هم همین است که باید قبول شود حالا اگر این عبارت را خوب نمیدانید بنویسید باید قبول شود .

حاجی سید ابراهیم - بنده می خواستم از مخبر کمیسیون پرسیم اگر يك صاحب جمع می در رسیدگی بحساب يك سندی را گم کرده است و هر چه هم تقصیر میکند پیدا نمیشود ولی دیوان محاسبات در ضمن رسیدگی بیک معاسبه دیگری ملتفت میشود که صورت گم شده است و حق بجانب آن صاحب جمع بود است و این قسم از تجدید نظر را که لازم است بشود این عبارت هیچ شامل نمیشود بجهت اینکه عبارت « بنده » مبفهمانه که سندی از قلم افتاده باشد یا مکرر شده باشد یا اینکه جعلی باشد و این قسم را شامل نمی شود و باید در اینجا قید شود .

فهییم الملک - این را که می فرماید راجع به تجدید نظر نیست اگر سندی داشت که گم شده بود دیگر فایده نخواهد داشت که تجدید نظری در آن باب لازم باشد تجدید نظر برای يك سندی است که هیچ نبوده است یعنی در موقع معاکم صاحب جمع بآن دسترسی نداشته باشد و دیوان محاسبات هم مطلع نباشد و برای گم شدن سند يك ترتیب دیگری است که دیوان محاسبات در موقع معاسبه باید تحقیق کند که همچو سندی گم شده است یا خیر .

حاج آقا - مخبر محترم جواب آن اشکالاتی که شد هیچ ندادند و بنده همانطور که در کمیسیون مخالف بودم در اینجا هم مخالفت خودم را اظهار می کنم هم در این خصوص و هم در این شرطی که شده است که پس از انقضای سه سال باشد بجهت اینکه ملتفت شدن باینکه يك چیزی از قلم افتاده است يك مطلبی است وجدانی و شخص بجهت اینکه يك وقت صاحب جمع بحسابهای سابق خودش ملاحظه می کند می بیند که قلم مقدار از حساب او از قلم افتاده است حالا فرض بفرمائید که بعد از سه سال یا چهار سال صاحب جمع يك همچو چیزی را ملتفت شده که از قلم افتاده است یا مکرر شده است این يك مطلبی است وجدانی و شخص چطور می تواند شاهد بگیرد که من قلم را در کی ملتفت شده ام این يك شرط لغوی است که ما حق بدیم يك کسی که يك چیزی را که ممکن نیست ثابت کند و بنده شرط دیگری هم نوشته است که اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهتر ترتیبی که متصور است ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دو دفعه بحساب آمده است (۳) اگر پس از صدور حکم اسناد تازه ای

اول فرمودند که ایداً مقصود کمیسیون اینطور نبوده است اینکه نوشته شده است بعد از انقضای مدت سه سال یعنی تا مدت سه سال هر وقتی که بخواهد اعتراض بکنند میتواند ولیکن بعد از سه سال

جمع نتوانسته است بدست بیاورد - اگر سندی دارد و در صحت سند هم هیچ اشکالی نیست که قبول میشود والا رد می کند دیگر لازم نیست که ما مقید کنیم و ثابت شود که این اسناد را در موقع تصفیه محاسبات نتوانسته است بدست بیاورد و علاوه بر این ما نباید همیشه بسند صاحب جمع نظر داشته باشیم ممکن است از طرف دولت هم این ترتیب پیش بیاید آنوقت این شروط بر مبنای عموم هم وارد می آید که باید در موقع رسیدگی ثابت کند که در فلان موقع این مطالب را ملتفت شده یا در وقت محاسبه نتوانسته است اسناد را بدست بیاورد و علاوه بر این که این شروط ضرر دولت است ممکن است یک وقتی حق یک کسی را پایمال کند از این جهت تصور می کنم که هیچ محتاج باین شروط نیست و خوب است این دو قید را حذف بکنید .

حاج شیخ اسدالله - اشکالاتی که بنده بنظم آمد آقای مغیر عرض بنده را درست ملتفت نشدند باینکه بنده فرمایش ایشان را درست ملتفت نشدم - این فقراتی که در اینجا نوشته شده است که منشأ نقض حکم است مثل اینکه یک چیزی از قلم افتاده باشد یا اینکه سندی مفقود بوده بعد پیدا شده است و غیر اینها کی محقق میشود بعد از محاکمه و تجدید نظر و اینطوری که اینجای نویسد ثبوت اینها را اسباب محاکمه قرار داده در صورتیکه بعد از ثبوت هر یک از اینها قهرأ باعث نقض حکم میشود دیگر اینها را اسباب رسیدگی ثانوی قرار دادن معنی ندارد .

حاج میرزا ابراهیم - بنده عرضی ندارم ولی میخواهم عرض کنم که آقای مغیر جواب اشکال بنده را نداده اند عرض کردم در صورتیکه صاحب جمع در موقع محاسبه بگوید که صد تومان بخرانه داده ام ولی سندی کم شده است و دیوان محاسبات اعتنائی نکند و آن مبلغ را بخرج نیاورد و حکم اوزار صادر کند بعد در جاهاییکه رسیدگی میکنند ملتفت میشود که حق بجانب آن صاحب جمع بوده است و راست گفته است که سندش کم شده است در این مورد باینکه مقتضی نیست که تجدید نظر شود در اینجا بجزا کوری از آن نشده و این عبارت هم شامل آن هم نمیشود

فهییم الملک - این ترتیبی را که آقای حاج سعید ابراهیم می فرمایند بهیچوجه باعث تجدید نظر نیست می فرمایند اگر قبض را صاحب جمع کم کرده است و در موقع رسیدگی دیوان محاسبات آنرا حساب نکرد و حکم داد بعد که پیدا کرد یا اینکه دیوان محاسبات ملتفت شد اگر دوماه نگذشته است که می آورد دیوان محاسبات بر حسب حقی که قانون باو داده است رسیدگی می کند و حکم می دهد و اگر دوماه گذشته است که حکم اجرا شده است و دیگر معلی برای اعتراض باقی نمانده است و این گویا شق ثالثی نباشد که محتاج بذکر باشد و این چیزی را هم که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اول خوب است توجهی فرمایند که تجدید نظر و نقض حکم دو تا است و خیلی باهم فرق دارد در مورد نقض حکم حکمی که داده شده است از ابتداء تا انتها صحیح

بالمطابا بل می شود ولی در مورد تجدید نظر ایرادی نیست که می کند و بانی مطالب بجای خودش هست و رسیدگی هم واضح همان چند فقره است که در آن اعتراض شده است و در باقی مطالب آن رسدگی جدید نمیکند و تفسیری که در آن داده می شود در حاشیه حکم قید می شود و آن شرایطی را هم که آقای حاجی آقا فرمودند در کمیسیون مذاکره شد و خودشان هم اگر غایب نبوده اند مسوق هستند معلوم است که دولت باید به یک شکلی حسابها را تمام بکند و اگر محاسبین بخوانند همیشه بحساب دهم سال قبل بنا بیشتر رسیدگی نمایند هیچ محاسبات ختم نخواهد شد و اگر این صاحب جمعی که می فرمایند در موفقی که بحساب او رسیدگی می شده اگر آن اسناد را در دست داشته است که باستی بیاورد و ارائه بدهد و اگر حاضر نداشته است که باید حاضر کند و ارائه بدهد والا صاحب جمعی که نتواند تا موقع رسیدگی اسناد خودش را در پیش خود یا نزد دیگری بگذارد تا سه سال بعد هم نتواند آن اسناد را بدست بیاورد و حاضر کند آن صاحب جمع باید محکوم و از کار خود هم عزل بشود صاحب جمعی که می خواهد کار خودش را اداره کند اهم از وصول عایدات و پرداخت مخارج این باید همیشه حسابش حاضر باشد و در صورتیکه بعد از مدت زیادی که باو مهلت داده شده است نتواند اسناد خودش را حاضر کند او اصلا باید از صاحب جمعی معزل بشود صاحب جمع باید در موقع کارش اسناد خودش را بگیرد و حاضر داشته باشد و در موقع محاسبه تسلیم دیوان محاسبات نماید تا بعد بکار او محاکمه و رسیدگی شود بعد از محاسبه دیگر نباید بگوید که چون در کار خود اداره بود نتوانستم سند خود را پیدا کنم و بعد در وقت این اسناد را گرفتیم علاوه بر این اسنادی که بعد از یک سال یا بیشتر تحصیل می کنند ممکن است آن اسناد را بهر شکلی که میگویند و قبول میکنند بسازد پس سند صحیح آن چیزی است که در حین عمل بدست صاحب جمع است و بعد از آن اگر سندی قرضاً ارائه داده شود باید ثابت کند که دوماه قبل ملتفت شده است که این از قلم افتاده است .

حاج آقا - اولاً آن روزیکه در کمیسیون در اینخصوص مذاکره می شد حاضر بودم و همین توضیحات را هم در آنجا دادند ولی بنده قانع نشدم و موجب بر این دقتی که در اینجا نوشته شده است وارد می آید که نباید نوشته شود بواسطه اینکه این بیاناتی را که آقای فهییم الملک فرمودند اگر ما را قانع میکرد در اینکه گوش بدهیم بجز بک صاحب جمعی که واقفاً سندش هم صحیح است باید همینقدر بنویسیم که تقاضای تجدید نظر تا یک موقعی قبول می شود و بعد از آن موقع قبول نمیشود ولی حالا که نمی توانید هیچ تجدیدی بکنید که تا فلان مقدار از زمان بک کس که ادعای یک طلبی میکند یا تقاضای تجدید نظری می نماید باید بیاید و اظهار بکند و تا فلان مقدار از زمان حق اظهار ندارد و بجهت اینکه باب ادعا را نمی شود مسدود کرد باید بگوئیم که مدتی دیوان محاسبات باید وقت خودش را صرف اینکارها بکند فرمودند که باید یک حد آخری برای محاسبات تعیین کرد برای اینکه اگر بنا بشود که همیشه دیوان محاسبات بکارها

محاسبات ده سال قبل رسیدگی کند هم کار دیوان محاسبات زیاد میشود و هم اینکه هیچ محاسبی ختم نمی شود بنده عرض می کنم با این ترتیب باید دیوان محاسبات دو کار بکند یکی اینکه مدتی مشغول شده باشد که صاحب جمع اسناد خودش را حاضر کند و بعد مشغول تجدید نظر و محاکمه شود دیگر اینکه نمیتوان یک مطلب وجدانی را برهاننا ثابت کرد خیلی مشکل است که من وجداناً یک مطلبی را ملتفت شوم و بعد بین بگویند ثابت کن که این مطلب را یک ساعت است ملتفت شده ام باید ملتفت شد که یک مطلب وجدانی هیچ طریق اثبات ندارد و وقتی که راه اثبات ندارد نباید در قانون نوشت که هم در فقره دوم هم سیم دارد (۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهر ترتیبی که تصور است ثابت شود که چیزی از قلم افتاده یا دودسته بحساب آمده است (۳) اگر کسی از دستور حکم اسناد تازه ای بدست آمده باشد بشرط آنکه ثابت شود اسناد مزبور در موقع تصفیه حساب موجود بوده و صاحب جمع نتوانسته است بدست بیاورد اگر آقایان درست تأمل فرمایند این دو قید را تصدیق می فرمایند که زائد است و اسباب اشکال فراهم می آورد و آن نظراتی را که آقای فهییم الملک فرمودند بیشتر اسباب اشکال کار دیوان محاسبات خواهد شد و اینکه فرمودند اگر صاحب جمع وقتی که ملتفت شد چه جور اسناد لازم است مزبور می سازد بنده عرض می کنم وقتی که دیوان محاسبات فهمید این سند جعلی است اگر نتوانست ثابت می کند که آن سند جعلی است و تقاضای ادرا رد می کند و باین جهانی که عرض کردم هیچکدام از این دو شرط را صحیح نمی دانم برای اینکه بیشتر اسباب اشکال دولت و طرف مقابل خواهد شد .

فهییم الملک - اینکه می فرمایند این مطلب که من در کی ملتفت شده ام وجدانی است و چیزی که وجدانی است اثر خارجی ندارد و نمیشود ثابت کرد مراد از این جمله اینطور نیست بلکه مراد این است که وقتی که صاحب جمع ملتفت شد یک چیزی از قلم افتاده است باید اسنادی را که مطابق آن بدست آورده است ثابت کند که دو ماه است آن اسناد را بدست آورده ام و این وجدانی نیست این یک چیزی است که میتوانست سند خودش را ارائه بدهد و ثابت کند که من هم ملتفت شده ام والا اگر اینطور باشد که هر خطائی و سهوی را ملتفت شده و اظهار کرد دیوان محاسبات باید قبول کند برای اینکه این یک امری است وجدانی و نمیشود ثابت نمود این را بنده بهیچوجه صحیح نمی دانم .

پیشنهادی از طرف آقای حاج آقا بمبارت ذیل قرائت شد :
بنده پیشنهاد می کنم جمله بشرط آنکه ثابت شود تا ناکله بدست بیاورد از فقره سیم جمله در سه شق اخیر تا آخر ماده حذف شود .
وکیل التجار - بنده گمان می کنم اگر یک قدری توجه با اساس حساب محاسبین دولت و ترتیب حساب کسانی که با وزارت مالیه و دولت طرف حساب هستند بشود می بینیم که تفریح حساب آقدر اشکالی ندارد تا اینکه یک سال یا شش ماه مهلت داده شود

برای اینکه ثابت کند که یک چیزی از قلم افتاده یا مکرر شده است و سند بدست بدهد برای اینکه این حسابها هر کدام در هر سالی چندین جا ثبت میشود برای اینکه همین مالیاتی است که همه ساله میگیرند و در چند جا ثبت است و در ضمن محاسبه اگر سندی داشته است و کم شده است ممکن است در دفاتر آنرا معین کنند که چه بوده است و انکه می صاحب جمع در آخر سال یک صورت جمعی دارد و یک صورت خرجی دارد در موقع حساب ملاحظه میکنند و می بینند که کسر دارد یا ندارد اگر کسر دارد که می بینید و ملاحظه میکنند که از کجا این کسر پیدا شده است و قتی که دید برای یک سندی که داشته است و مفقود شده است این کسر در حساب او پیدا شده است در موقع محاسبه میگویند که فلان حواله را با فلان نمره پرداخته ام و مفقود شده است و باید بخرج بیاید آنوقت دیوان محاسبات هم تعقیبات خودش را میکند و قبول می نماید اینها چیزی است که اینقدر تأمل ندارد و اینطوریکه نوشته شده است هیچ اسباب زحمت نیست خوب است رأی بگیری که ما ذکره ختم شود .

موقتم الملک - آن پیشنهادیکه آقای حاج آقا کرده اند اگر آن پیشنهاد قبول شود بعقیده بنده چند مرتبه عرض کرد ام قوانین را برای بی ترتیبی نمی نویسد قانون را برای این می نویسد که امور مرتب شود ممکن نیست که یک صاحب جمعی بیک کسی بول بدهد و سند نگردد حالا اگر ما این شرط را در اینجا بکنیم برای اینکه شاید صاحب جمع بعد از چهار سال یک سندی را بدست بیاورد بنده عرض میکنم صاحب جمعی که بعد از شش ماه از انقضای مدت مأوردیش نتواند اسناد خودش را بدست بیاورد آن صاحب جمع اصلاً قابل نیست که مأمور دولت بشود عموماً میگویند که صاحب جمع وقتی بول میگیرد باید سند داشته باشد حواله که بدهد بآن ترتیبی که قانون معین میکند باید سند داشته باشد دیوان محاسبات هم در موقع محاسبه ملاحظه میکنند اگر آن ترتیبی بهم آمده است که قبول میکنند و الا قبول نمیکنند مقصود این است که اگر این پیشنهاد آقای حاج آقا قبول شود بکلی اساس محاسبات لغو میشود دیگر اینکه در مشقه سه سال و دوماه ایراد کردند بنده در اصل ایراد درست ملتفت نشدم ولی عرض میکنم همانطوریکه در قانون وزارت عدلیه است که بگوید شخصی که محکوم شده است تا یکماه وقت دارد و میتواند استیناف نماید و بعد از اینکه یکماه گذشت دیگر حق استیناف ندارد و لایانکه مظلوم واقع شده اینجا هم بهیچطور باید قید بشود و این نبودات و قوانین برای این است که امور دولت مختل نشود نمیشود برای یک محاسبه ده سال معطل شد که یک وقتی یک صاحب جمعی خواهد آمد و ادعائی خواهد کرد و آنوقت باید مراجع بکنند بحساب سه سال قبل و چنانکه در قانون محاسبات عمومی گفته شد در هر دو سال باید حساب دفتر محاسبات کل مالی ختم شود و هر دو سال بعد سال اقل حسابهای دولت باید ختم شود برای اینکه دیگر مجبور نشوند که همیشه رسیدگی بکنند و بنده در حسابهای سنوات قبل تصور میکنم که اینماده بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است خیلی خوب ماده است و باید در آن رأی گرفته شود در این موقع ماده (۷۲) موافق پیشنهاد آقای حاج آقا بحذف جمله ای که پیشنهاد کرده بودند از قرار ذیل قرائت شد :

ماده (۷۲) - تقاضای تجدید نظر در موارد ذیل باید قبول شود (۱) اگر سندی در نوشتن فقرات حساب یا در عمل حساب شده است (۲) اگر بواسطه معاینه حسابهای دیگر یا بهر ترتیبی که تصور است (۳) اگر آن حکم از روی اسناد جعلی صادر شده باشد .
رئیس - رأی میکنیم بر ماده ۷۲ بطریقی که خواننده شده که موافق پیشنهاد آقای حاج آقا است کسانی که موافقت قیام نمایند (رد شد) .

ثانیاً ماده مزبوره موافق پیشنهاد کمیسیون با تغییر جمله - قابل قبول است بجمله - باید قبول شود قرائت شد .
رئیس - حالا رأی میکنیم بر ماده ۷۲ بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است و با جزئی اصلاح خواننده شد کسانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و با اکثریت تصویب شد) .
رئیس - شور بقیه این قانون را میگذاریم برای جلسه آتی آقای ادیب التجار استواری از وزارت مالیه داشتند بفرمایند .

ادیب التجار - بنده از آقای وزیر مالیه سؤال میکنم که بودجه وزارت خانه هاجند فقراتش بوزارت مالیه آمده است و کدام یک از بودجه ها مرتب شده است و از وزارت مالیه بمجلس فرستاده شده است و کدام یک باقی است با آن اقداماتی که وزارت مالیه کرده است بفرمایند مطلع باشیم که چند فقره باقی مانده و کی بمجلس می آید ؟

وزیر مالیه - عرض میشود از بودجه ها فقط بودجه ای که آمده است همان بودجه وزارت علوم و معارف و فوائد عامه است که خیلی وقت است رسیده است یکی هم بودجه دربار است که خودمان ترتیب هم فرستاده ایم بمجلس و بودجه علوم و معارف را هم با فرستاده اند با مفرستند حاضر است اما بودجه های بزرگی که درست است یکی بودجه خود وزارت مالیه است یکی بودجه وزارت جنگ است و یکی بودجه وزارت داخله است و یکی بودجه وزارت خارجه و این بودجه ها که عرض کردم غیر از بودجه وزارت خارجه تمام درست است و فقط یک فقره باقی است که مسئله حقوق ارباب و وظائف وزارت جنگ که کبها هستند و جزء وظیفه بگنمایند از این بعد در وزارت مالیه بآنها وظیفه داده میشود این یک مسئله ای است که صورتش از وزارت جنگ رسیده است و بودجه وزارت مالیه را هم همینطور معطل کرده است و بجهت همین یک کلمه نشده است که بنده بودجه وزارت جنگ را یک هفته قبل فرستاده و بیک شکلی هم ترتیب شده ولی بعد سردار متضد آمد و دقتی کرد و گفت که این بودجه بودجه آتی است و او رایش گرفتند که عیناً آنچه امسال بصرف رسانیده اند آن را یک صورتی بدهند و بودجه سال آتی را جدا گانه در ستون دیگری بپنداشتند کنند اما بودجه وزارت داخله بیشتر کارهایش تمام شده است مگر یک فقره که راجع به تنظیم ولایات است که صورت آن از ولایات هنوز رسیده است اما از همه بودجه ها بودجه ای که ابداً به وزارت مالیه رسیده است بودجه وزارت خارجه است که محاسب آن یک جدیت مخصوص با ندادن بودجه دارد دیگر هیچ سختی نبوده است که بنده نکرده باشم

و تا حال که نرسیده است لیکن امیدواریم بهر شکلی شده است بآنها یک شماره ای بیاید که آنها هم بدهند اما این سه چهار فقره که عرض شد چندان کار زیادی ندارد و همین چند روزه بمجلس خواهد آمد و چون خیلی بزرگ است مشغول خواهد کرد مجلس را که داخل مباحثات و مذاکرات و مشورت آن بودجه ها بشوند و معلوم است تا اینکارها تمام بشود از وزارت خارجه هم بودجه شان خواهد رسید .

ادیب التجار - چندی قبل در همین مجلس آقای وزیر مالیه فرمودند که همین دو روزه بودجه ها تمام میشود و بمجلس میدهند و از این فرمایشاتی که حالا فرمودند بنده قدری نوری خیال افتادم که این بودجه ها برای سه حایه که سهل است برای سال آتی هم نخواهد آمد دیگر آنکه از بودجه وزارت عدلیه هم اشاره فرمودند .

وزیر مالیه - رسیده است و خیلی مختصر است **ادیب التجار -** باز هم چون طرف مجلسبان وزارت است باز هم تأکید بکنند که بودجه ها شان را بفرستند چون نیامدن بودجه سبب تولید همه نسیم اشکال برای نمایندگان میکند از برای این نوع چیزها که سه روزه قطعه قطعه بمجلس می آید و نمایندگان تکلیف خودشان را نمیدانند که تصویب بکنند یا خیر نمیدانیم بول داریم یا نداریم .

وزیر مالیه - عرض میشود اینکه بودجه باید چندین ماه قبل آمده باشد بمجلس و چندین ماه است که تأخیر شده است بنده کاملاً با مراجع دولتی گمان میکنم که وزارت مالیه در این اواخر کوتاهی نکرده است بجهت اینکه ترتیب اطلاق بودجه در اینجا معین است که تشکیل شده و هر یک از آقایان بخوانند ببینند میتوانند بروند ببینند و از سه بظهر مانده تا پنج از شب گذشته بنده اینطور قرار داده ام که آنجا باشند و مستند و آنها مجبورند همین طور که عرض کردم در آنجا بمانند و یک مخارج فوق العاده هم بآنها داده میشود که این مدت کار بکنند و این بودجه ها را تمام کنند و همین طور که عرض کردم بودجه آن سه وزارت خانه بزرگ درست است که عهده بودجه هم آنها است و در شرف انعام است یعنی دیگر جای هیچ تردید نیست که اینها طول خواهد کشید خبر طول نخواهد کشید و همین چند روزه بمجلس تقدیم میشود و تا داخل مشورت آنها شوند بودجه وزارت خارجه هم بمجلس خواهد رسید .

رئیس - آقای شبانی سئوالی داشتند بفرمایند **شبانی -** اموراتی که در این ملک پیش می آید و وزراء و و کلاه اظهار میکنند تصور میکنم تا کون نخواسته اند کار بکنند یا اگر خواسته اند کار بکنند موانع نگذاشته است کار بکنند از جمله حضرت والا این الدوله در خصوص کاشان خواستند کار بکنند ولی مانع نگذاشته است کار بکنند و چنانکه خودشان میفرمایند که اقداماتی که ما باید در امر کاشان کرده باشیم نکرده ایم و اگر اقدامی بوقوع بنماید صد هزار افسوس هائیکه ممکن است بعد پیش بیاید نخواهیم خورد و مملکت نمایان چه مسئله است که اقدام نمیکنند یک تلگرافی تازه رسیده است که بنده این جا مقتضی میدانم مفادش را عرض کنم و قتی که بهیشت وزراء فرستادم و ملاحظه فرمودند تصدیق خواهند فرمود

که کار خوبی کردم مفادش را عرض نکردم در صورتی که بنده چه در مجلس خصوصی وجه در مجلس علنی عرض کردم در این کار باید اقدام کرد مثلا وزیر جنگ خواسته که صد نفر پیاده برای آنجا بفرستند و نفر ستاده اند میفرمایند وزارت مالیه پول نداده است امیدام هزار در صد تومان چه اهمیت داشت که وزیر مالیه نداده اند مثلا تابستان عرض کردم سرباز های آنجا فشنک ندارند عرض کردم يك مقدار فشنک برای سرباز های آنجا بفرستند و نفر ستاده اند حالا سؤال میکنم که آن فشنک را نفر ستاده اند یا نفر ستاده اند و کی فرستاده میشود و يك عده سوار بختیاری هم از فراریه فرموده بودند بنا بود بکشان برود از آنهم اطلاعی ندارم وجه اقدام درباره کاشان شده است نایب حسین از فراریه میگویند از حدودی که بوده است آمده است اردستان یعنی نزدیکی اردستان و بخود اردستان هنوز وارد نشده است در صورتیکه بخود اردستان وارد شود گمان میکنم يك افسوس و پشیمانی بزرگی حاصل شود که دیگر چبران نشود و چبران نداشته باشد.

دارد خاصه شهر هائی که کلبه مملکت است از شهر های سرحدی از مهمترین آن شهرها استرآباد است که مدتی است شنیدیم وزارت داخله اقدامات کردند و بجهت آنجا حکومت معین کردند لیکن حکومتی معلوم نشد هر چه پرسیدیم گفتند منتظر قوای نظامی هستیم که وزارت جنگ تهیه کنند تا اینکه در هفت هشت روز قبض خوانسین ترکمان تلگرافی توسط وکیل ترکمانها مخابره کرده اند آن آخرین تلگرافی است که از آنها رسیده است و هنوز جواب آن داده نشده است با این اهمیت که بجهت استرآباد هست سؤال میکنم آیا وزارت داخله حکومت آنجا رامین کرده اند قوای نظامی معین شده است یا خیر بازم معظورات در کار است یا باز قوای نظامی لنگ است کی حکومت خواهد رفت جواب خوانسین ترکمان چه داده شده است قوا کی خواهد رفت جواب سئوالات بنده را بفرمائید که مجلس هم مینویس باشد.

وزیر داخله - سئوالی که آقای ادیب - التجار فرمودند در فقره استرآباد سه شب قبل مخضری اینجا خدمت نمایندگان محترم عرض کردم چون موقع استرآباد قدری اهمیت پیدا کرده و طرف توجه شده بود با آقای سیهدار اعظم که مناسباتی دارند آنجا مشورت کردیم اینطور صلاح دانستند که برای نظم و استقرار امنیت آنجا شاهد نظر - السلطنه رامین کنیم هیئت وزراء هم تصدیق کردند باین جهت رفتن امان الله میرزا را موقوف کردیم و نظر السلطنه منصوب شد و آنشب هم نقل مکان کردند و فردا حرکت می کنند و میروند.

وزیر جنگ - استمداد هم برای استرآباد معین کردیم صد سوار از یکی از طوایفی که در خود استرآباد است و صد سوار هم از سمنان و دامغان حاضر است و صد سوار هم از اینجا حاضر کردیم و مراجع هم دادیم فردا در رکاب شاهزاده ظفر - السلطنه حرکت کرده میروند و سیصد سوار و سیصد سرباز و شصت نفر توپچی حاضر شده است و تهیه شده است بجهت استرآباد و این را منی دارم درست توجه بفرمایند دوازده هزار تومان هم وزارت مالیه دادند که موازی سه ماه جیره سیصد سوار و سیصد سرباز و شصت توپچی است که دوازده آن پول بود که تقداده شد و ده هزار تومان برات خزانه که پول نقد است بشخص شاهزاده ظفر السلطنه داده شد و خودشان هم اینجا قبض دادند که این پول را در استرآباد باین نشون بدهند و این دو هزار تومان در اینجا بآنها داده شد که امروزه تهیه خودشان را ببینند و تا فردا حرکت کرده بروند.

ادیب التجار - اگر چه یقین دارم هیچ احتمال نمی دهم که وزارت داخله جواب تلگراف خوانسین ترکمان را داده باشد ولی استدعا می کنم که اگر جوابی بآنها داده نشد يك جوابیکه موجب اطمینان آنها باشد و اسباب دلگرمی آنها شود به آنها بدهند.

وزیر داخله - مسلم است وزارت داخله متوجه این مسائل می شود تلگراف خیلی مفصلی

دایر بر مهربانی و امید واریشان و فرستادن ظفر السلطنه شده است.

رئیس - آقای مستبد التجار سئوالی داشتید از وزیر داخله بفرمائید.

مستبد التجار - بعد از آن همه شرارها و زحمتیکه رحیم خان تولید کرد شنیده میشود دو مرتبه رحیم خان برگشته است بایران می خواستم بدانم دولت در جلوگیری از شرارت او چه اقدامی کرده است.

وزیر داخله - در مسئله رحیم خان که سؤال فرمودید رحیم خان تقریباً ۲۰ روز است که آمده است وقتی که بحر تان آمد رحیم خان بمخبر - السلطنه تلگراف کرده است که من آدم ولی در کمال اطاعت و انقیاد هستم هم بقدر يك اطاعت بنای بن بدهد بیایم بتبریز و حاضر از برای اطاعت و خدمتگزاری بدولت مغیر السلطنه هم با او اطمینانی داده بود باین جهت بتو کمال محبت از طرف دولت خواهد شد و این مسئله را با بورت دادند باین فصل که رحیم خان آمده است و بنظر نوشته است حتی نوشته کافذی بتوسط حاج فرج آمده است و من اینطور جواب دادم وزارت داخله چون مسوق بود بحال رحیم خان رهزما تلگراف کرد که اگر چه رحیم خان اینطور مینویسد میگوید لیکن شامتفاهد بنوشی خیلی دقیق شوی بدمیکن است که همه بنظر ارموز و زور در این طریق بگذرانند و در آنجا اقدامات مخفی نماید و شاد دستور بدهد يك استمداد مکفی حاضر شود اگر آمد خیلی خوب چه بهتر و اگر نیامد فوراً اقدام بکنند که نتواند قوم خودش را زیاد بکند و اسباب زحمت فراهم نیاید و در هم بنظر هم مغیر السلطنه تلگراف کرد و مشغول بود و بنای بود که هشت روز قبل از این بیاید بقره داغ و با حکومت قره داغ ملاقات بکنند و با اتفاق او بیاید بتبریز و از فرار معلوم از حسرتان ده خودش که تا سرحد رود ارس دو فرسخ است رفته بشکراک و آنجا هم دوشب مانده است و به همین طریق که اطمینان بدهید می آیم از آنجا رفته است بکوردان که یکی از مجال قره داغ است و معلوم نیست که از آنجا با آنکه بایست در ۲۵ این ماه بیاید نیامده است از مجدداً تلگراف شده است بمغیر السلطنه که شما تدارکات خودتان را ببینید و ایضا در این مورد قفلت نکنید.

رئیس - آقای بهجت سئوالی داشتید از وزارت امور خارجه بفرمائید.

بهجت - بنده از وزیر امور خارجه چندین سؤال کرده بودم که یکی را کتباً جواب داده بودند یکی دوسئوال را راجع بوزارت فواید عامه کرده اند یکی دوسئوال هم بی جواب مانده حالا یکی یکی عرض می کنم اگر معاون وزارت امور خارجه جواب دارند بفرمایند یکی از سئوالات بنده این است که کلبانی نفت بشرایط امتیاز رفتار نمی کند یکی آنکه می بایستی عملیات ایرانی باشند نیستند دیگر اینکه ایرانیها باید حق داشته باشند از سهام شرکت خریداری کنند و ایرانی ها هیچ مطلع نیستند و نمی دانند مرکز این شرکت کجا است و همین طور شرایطی که راجع است بشرایط امتیاز اگر درست آنها را در نظر بگیریم می بینید که خیلی از حدود

و وظایف خود تعطیل کرده است و یکی از آن کارهایی که خیلی خلاف قانون بوده است کلبانی نفت جزیره دوشهره را تصرف کرده است و در آنجا قلمه ای ساخته و خط آهنی بطول سیصد متر کشیده و روی آن را کرمیو تانول را افتاده بدون اینکه بدولت اطلاع بدهد و از کنار اسکله تاجزیره خط آهن حرکت می کند تهیه تلفن هم دیده اند که بکشند بالاخره گمان میکنم همان يك کلمه که در امتیازنامه نوشته شده است که دولت برای سهولت حمل و نقل با آنها مساعدت خواهند کرد تصور بکنند باین اسم هر کاری بخواهند می توانند بکنند این يك سؤال بنده بود يك سؤال بنده راجع است بکار گذار ناصری که یا اسم کار گذار ناصری در بودجه وزارت خارجه هست و از برای او حقوقی منظور شده است یا خیر اگر مواجبی برای او هست کار گذار کیست این هم يك سؤال بنده است که باید جواب بگویند يك سؤال بنده هم راجع است بجزیره باس دون و سیری دابوموسی این سه مسئله را هم یکی یکی عرض می کنم اولاً در خصوص جزیره ابوموسی سؤال می کنم آیا دولت نسبت بجزیره ابوموسی چه ملاحظاتی در نظر دارد یعنی آیا جزیره خلیج فارس است جزیره ابوموسی یا خیر یعنی آیا حق دارند انگلیسها تصرفاتی در جزیره ابوموسی بنمایند یا خیر اما در خصوص جزیره سیری عرض می کنم جزه بندر قشم است و جزیره قشم از جزایر مخصوص ایران است سلفاد جزیره سیری انگلیسها اجازه خواستند از برای اینکه يك انبار ذغالی در آنجا بنا کنند حالا در آنجا مجدداً بعضی بناها میکنند گذشته از اینکه اجازه نگرفته اند از دولت سه بنای جدیدی بکشند امرالی که میاید و میرود در آنجا [نرازیت] می شود یعنی بطور جواز از آنجا حرکت می دهند و در جزیره سی دول برق شیر و خورشید که علامت ملکیت ایران است در آنجا نصب بوده است و تقریباً يك ماه است آن برق افتاده است و آن کسی که از طرف دولت مأمور است که کار گذار است یا هر کسی که هست یا مأمور دولت است با اسم کار گذاری رفته است و گفته است آن جزیره را بدهم و ام پیدا نکرده ام حالا این سئوالات بنده است اگر معاون وزارت خارجه اطلاعی دارند بفرمایند ولی مقدمتاً جواب سئوال مرا در خصوص کلبانی فقط بفرمایند

معاون وزارت خارجه - اما سئوال اول را در خصوص کلبانی فقط امیدوارم نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که آنچه راجع بکلبانی فقط است راجع بوزارت خارجه نیست راجع بوزارت فواید عامه است باید از آن وزارت خانه سؤال شود اما در خصوص بندر ناصری نظر باینست که کار گذاری برای آنجا تصویب شده و در بودجه هم حقوقی برای او منظور شده است ولی تا بحال حقوقی نداشته است نظامنامه نوشته شده است و به مجاس رسیده در ضمن بودجه سه آئینه که در وزارت امور خارجه نوشته شده و تا پنج روز دیگر بوزارت مالیه تقدیم خواهد شد حقوقی منظور شده است برای کار گذاری بندر ناصری و در خصوص سایر سئوالات در جلسه آتی جواب عرض خواهم کرد.

بهجت - خواهش میکنم که معاون وزارت خارجه مسئله کلبانی فقط را از وظایف خودشان بدانند و در خصوص تصرفاتی که خارجه ها در پاره امور ایران بدون اجازه دولت میکنند و از حدود خودشان تصرف میکنند ماطرف هستیم با وزارت امور خارجه و سابقه هم دارد امثال و نظایر هم دارد اگر مراجعه بمانا کراتی که در این باب شده است بنمایند تصدیق خواهند فرمود که وظیفه خودشان است و این را حاضر ثابت و مدلل کنم و این هیچ ربطی بسئوالات بنده ندارد اما در خصوص بندر ناصری بنده در خصوص آنچه عرض نکردم در خصوص سابق عرض کردم که چه شده است آیا وجهی گرفته شده است کار گذاری رفته است یا نه رفته است و این وجه را در طهران گرفته است و خورده است این وجه چه شده است.

معاون وزارت امور خارجه - البته آنچه مربوط به تجاوزات خارجی باشد باید از وزارت فواید عامه نوشته شود بوزارت خارجه و از وزارت خارجه اقدامات بشود اما اساساً معدن نفت در تحت نظر وزارت فواید عامه است مربوط بوزارت خارجه نیست در خصوص کلبانی فقط و از ادارات محاسبات وزارت خارجه تحقیق کرده ام جواب دادند که تا کنون بودجه ای برای کار گذاری بندر ناصری نوشته نشده بوده است ولی در آئینه توجه مخصوصی به آنجا شده و يك بودجه برای آنجا نوشته شده است.

رئیس - از باب کیغضرو سئوالی از وزارت داخله داشتید.

از باب کیغضرو - سئوالانیکه بنده از وزارت داخله داشتم متعدد است ولی علی العجله چون چند روز قبل در خصوص حکام از وزارت مالیه سؤال شد جوابی دادند که لازم است در باب تجاوزات حکام در عمل مالیه و غیره از وزیر داخله سؤال شود ابتدا بهمان مسئله می پردازم.

چند روز قبل که در باب مداخله بعضی حکام در عمل مالیه از وزیر مالیه سؤال شد در جواب تصدیق فرمودند که بعضی حکام در عمل مالیه مداخله و تجاوزاتی کرده اند و از فرار اخباریکه رسیده است بعضی حکام در سایر ادارات دولتی هم که راجع بسایر وزارت خانه است تجاوزات نموده اند می کنند لهذا از آقای وزیر داخله سؤال میشود اولاً در خصوص مداخله آنها در عمل مالیه چه قدرتی داده اند آیا بحساب آنها رسیدگی شده و حساب بوزارت مالیه داده اند یا خیر.

ثانیاً آیا حکامی را که همین مینمایند دستور آنها از روی ترتیب سابق است یا موافق قوانین جدید و آیا بآنها میفهمانید که باید اعمال آنها در تحت نظارت انجمنهای ایالتی و ولایتی باشد.

ثالثاً آیا بتمامی حکام فهمانیده شده است آن ترتیبی که سابق معمول بود که مبالغه تقدیمی میدادند و خود را مالک جان و مال اهالی میدانستند حالا این طور نیست و ابتدا تقدیمی و تمارفات از آنها گرفته نمیشود و بجز فقط حدود قانونی که برای آنها معین است حدود حق دیگری بر آنها ندارند و بهیچوجه و عنوان نباید تقدیمی و تمارفات معمول سابقه را از احدی بگیرند زیرا در این مملکت با این اوضاع که

می بینیم خصوص در جاهای دور دست که مردم از وضع مرکز اطلاعات کامل ندارند گمان میکنند يك حاکمی که امر مرکز میرود کمافی السابق بمبلغی تقدیمی جان و مال آنها را خریده است ناچار آنها هم از ترس مبالغه میکنند از این جهت لازم است آقای وزیر داخله جوابی واضح و کافی بدهند تا هم سایر نمایندگان و بنده متقاعد شویم و هم آن جواب اعلانی باشد بمعموم اهالی مملکت تا کلاماً بدانند ترتیب حکام از چه قرار است.

وزیر داخله - اولاً در خصوص مداخله حکام در مالیات تا بحال از وزارت مالیه بوزارت داخله چیزی نوشته نشده است و اطلاعی ندارم فقط چیزی که وزارت اطلاع دارد مسئله مالیات دوائر نلک است که نظمی در بعضی نقاط حکام در بعضی نقاط مأمورین مالیه در بعضی محلهها میگیرند و این از سابق عمل شده است و این فی الحقیقه خیلی کاری ترتیبی است و وزارت داخله در این خصوص میخواند با وزارت مالیه داخل مذاکره بشوند که يك قرار صحیحی بدهیم که بهیچوجه من الوجوه نظمی یا حکام مداخله در مالیات نداشته باشند و مستقیماً رئیس مالیه هر قسمتی مالیات آنجا را وصول بکنند و مسلماً وقتی که کار از مجاری مختلف شد و مالیات دولتی را وصول کنند بچاری مختلف هم تغلیت بیشتر می شود هم نسبت بر عت صدمه اش بیشتر می شود ولی اگر از يك مجری شد هم بهتر می شود وصول کرد هایدات دولت را و هم مردم آسوده خواهند شد و در این مسئله با وزارت مالیه تبادل افکاری که شد آتوق عرض خواهم کرد و در مسئله حکام و دستور آنها این يك چیز خیلی واضع است معلوم است دستور آنها از روی قانونی که نوشته شده است جزء جزء کار ما معین است و مأمورین مخصوصی از طرف هر وزارت خانه میروند و تمام امور راجعه بهر يك از ادارات بخود آنها رجوع می شود و مأمورین خودشان مستقیماً رسیدگی میکنند و حاکم هم يك نظارتی دارد و اگر حکومت هم يك خرجی یا يك اعزام قشونی لازم باشد اولاً با اطلاع وزارت داخله تا ثانیاً بانصوب انجمن ولایتی و ایالتی خواهد بود و این يك قرار دادی است که لازم باظهار نیست معلوم است ترتیب از چه قرار است ولی بعضی محلهائی که دور هستند و این ترتیب ها را نمی دانند تصدیق می کنم که همین طور ها است که اظهار میشود و نمی توانم عرض بکنم و خاطر نمایندگان محترم را مطمئن کنم که به آنها بطور صحت و مطابق قانون عمل میشود چون این طور می دانم وزارت داخله مشغول تمارک نقشه ای است که يك هیئت مفتشین سبازی قرار بدهد که از محلهای دور دست يك اطلاع کاملی داشته باشد و این هیئت از اشخاص صحیح بی غرض باشند اگر چه يك اندازه برای دولت در بده امر خرجی پیدا خواهد کرد ولی بالمآل خیلی مفید است و بلکه دخل دارد و بعد از آنکه آن ترتیب نوشته شد تقدیم مجلس مقدس محترم خواهند شد.

از باب کیغضرو - اینکه فرمودند مساماً حکام از روی قانونی که نوشته شده است مأمورین

دارند بنده می دانم ولی سؤال بنده در باب اجرای آنها است در باب مفتشین سیار هم نظر بانکه فرمودند البته صحیح است ولی بنده تمنی می کنم هر خیالی که میفرمایند قبل از اینکه یک خرابیها فراهم بیاید آن اقدام را بفرمایند چنانچه خودشان تصدیق فرمودند که حکام دور دست بوظیفه خودشان عمل نمی کنند یک سؤال دیگر بنده در باب اردبیل بود از فراریکه شنیده می شود متجاوز از هفتاد نفر از رؤسای اشرار دریا زین قلمه آنجا محبوس بوده اند و رشید الملک آنها را متدرجاً مرخص کرده و مبالغ نراف از آنها پول گرفته است اولاد درصحت این حبر سؤال میکنم که صحیح است یا خیر قانیا در صورت صحت وزارت داخله چه اقدامی کرده است؟

وزیر داخله - در مسئله حکومت اردبیل سؤال فرمودید بلی جمعی از مجوسین معصومین شامسون ۵ در اردبیل محبوس بوده است بورارت داخله خبر رسیده است که آنها را مرخص کرده است چون اردبیل جزء ایالت آذربایجان است در اینگونه امور مهم تکلیف وزارت داخله است که با ایالت آذربایجان سؤال شد ایالت آذربایجان از جواب داخله صلاح صحیحی ندارد تعقیق کرده جواب خواهم دادند از مدتی اینصورت جواب داد که به این کار را کرده اند اینها را حکومت اردبیل مرخص کرده است در صورتیکه ایالت آذربایجان تصویب نکرده است و اطلاع ساخته و ایالت هم تصدیق و تصویب نکرده است اگر چه مرخصی آنها را بنده تصویب و تصدیق نمیکند ولی امروز موقع اردبیل بیکطور است که باید بحکومت اینجا یک مساعدت و یک تقویتی کرد که در پیش پیشرفت کند بعد در آخر سال و بعد از مراجعت ایالت شامسون از معان یک قراری در کلیه باید داده شود تمهیل مرخصی آنها از این نظر است

آریاب کیخسرو - در این باب بنده نمیدانم در مقابل هیچ یوز قانونی بزرگی چه جواب بدهم این عمل موقوف بیک استیضاحی است.

معمدالتجار - سابقاً کاشف در باب مالیاتی که عثمانیها میخواستند بعنوان تمتع از اتباع ایران بگیرند از وزیر امور خارجه سؤال کردند وزیر امور خارجه جواب دادند که این را نخواهند داد و همینطور هم سفارت کبرای اسلامبول تعلیمات داده ام و از فراریکه خبر میرسد این ایام دولت عثمانی مصمم شده است که آن مالیات را بگیرد در صورتی که هیچیک از دول بزرگ و کوچک قبول نکرده اند آیا وزارت امور خارجه از این اقدام دولت عثمانی اطلاع دارند یا خیر و چه اقدام کرده اند.

معاون وزارت امور خارجه - از چندی قبل باین طرف از اتباع ایران در خاک عثمانی متوالیاً شکایات در همین موضوع که فرمودند میرسد مخصوصاً از آیت الله خراسانی هم شرحی شکایت آمیز صادر شده بود تعلیمات لازمه بشاگردان مدارس اسلامبول داده شد از فراری که از کار برداری بقصد وزارت خارجه اطلاع رسیده است از باب عالی نگرانی صادر

شده است که از متع وصول مالیات بعنوان عمل مکلفند که... یکی از مواضع شکایت و عنوان آنها بود و در خصوص وجه تمتع هم اتمام شده و سفیر کبیر عثمانی در اینجا اظهارات شده ایشانهم در این باب تا یک اندازه مساعدت کرده اند امیدواریم رفع این محظورات بشود.

معمدالتجار - از فراری معلوم متعین السلطه معلوم الحال را می خواهند بکار برداری بقصد بفرستند سابقه حال او پیر ارسال در تقابلی بخواهی معلوم است آیا این مأموریت صحت دارد یا خیر؟

معاون وزارت خارجه - کار گذار بقصد متعین الملک است که چندی است در وزارت خارجه مستخدم بوده و از مستخدمین صحیح امین قدیمی وزارت خارجه است و بکلی مأموریت متعین السلطه را تکلیف میکنم و متعین الملک پس فردا حرکت خواهد کرد.

رئیس - دستور جلسه آتی - راپورت کیسیون بودجه در باب تجدید کتترات مسیومولیت راپورت کیسیون فوائد عامه راجع به حقیقت - در باب کسوریه یزد - بقیه دیوان حسابات

مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

جلسه ۱۹۶
صورت مذاکرات روز سه شنبه غره شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد و صورت روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود. غائبین جلسه قبل حاج وکیل الرعایا - آقا میرزا ابدالله خان بدون اجازه.

فهم الملک - حاج آقا - سیه داراه ظم - سردار اسعد در موقع مقرر حاضر نشده اند.

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید.

فهم الملک - روز شنبه بنده بواسطه یک کاری که از قوانین مالی به مجلس شورای ملی رجوع شده بود از موقع دیر آمدم و به آقای رئیس هم عرض کردم نمیدانم چرا در صورت مجلس اجازه بنده را ذکر نکرده اند.

آریاب کیخسرو - در آن دو سئوالی که بنده از وزیر داخله کرده بودم در آن قید نشده است که خود وزیر داخله تصدیق کردند که در بعضی بلاد دور دست حکام تجاوز میکنند و دیگر اینکه در مسئله دویم عرض کردم استیضاح خواهم کرد آنهم قید نشده است.

معاضد الملک - حالا آقای آریاب آن فرمایش سابقه بنده را که اعتراض میکردند که چرا مشروح می نویسد تصدیق خواهند فرمود نظر بهمین نکته بود حالا خودشان اعتراض نکنند و حالا اینجایین آن سؤال و جواب نوشته نشده است لکن حواشی آن نوشته شده است.

آریاب کیخسرو - بنده عرض میکنم خوب است از آنچه قبلاً هم تفصیلاً می نویسد بکامنه و آن چیزهایی که جواب وزیر است و سندیت دارد تمام بنویسند اظهارات بنده سندیت ندارد می نویسد ولی چه شد

جواب وزیر که سندیت دارد در این دایره نمیکند؟

رئیس - در باب صورت مجلس دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد)

رئیس صورت مجلس را امضاء نمود - صورت استیضاح آریاب کیخسرو بدین مضمون قرائت شد مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی شهادت ارکانه - چنانکه در جلسه گذشته با حضور آقای وزیر داخله عنوان شد بنده در خصوص تجاوزات غیر قانونی رشید الملک حکمران اردبیل از وزارت داخله استیضاح خواهم نمود لهذا مقرر شود در زودترین جلسات بجهت استیضاح وزیر مزبور حضور بهر رسانند.

آریاب کیخسرو - این لفظ استیضاح یک ترس بدل در راه انداخته است و چنان تصور میکنند که هر استیضاحی اسباب آن خواهد بود که وزیر را از مسند وزارت پداین بیسارورد استیضاح یک استنطاق است که از وزیر میشود که معین شود تصدیق از وزیر است یا از دیگری البته اگر از وزیر باشد آنوقت وزیر از مسند وزارت پداین می آید اگر از کسی دیگر باشد آنوقت تصدیق دیگر میشود این است که تا بجای معذاری اینجا استیضاح شده است و هیچکدام برای جواب حاضر نشده اند مثلاً از نایبهای سابق که استیضاح شده است نیامده اند

جواب بگویید نایبها اسمها کرده اند لویا منحصر شده است راه لریز در راه پانچ اسمها هستند اسمها علاجی برای من نیست بخواهند در راه پانچ اسمها منحصر شوند و جواب بگویید همان اسمها نایبها گفتا کرد بموجب قانون اساسی باید معین کرد نایبها بکلیف معلوم شود این است همیشه تصدیق می نمود وزیر داخله و سایر وزراء که باید حاضر شوند و جواب استیضاحات را بدهند زودتر حاضر شوند و جواب بدهند راپورت کیسیون بودجه باین عبارت قرائت شد:

کیسیون بودجه در روز دوشنبه ۲۵ ذیحجه دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان منعقد گردید در خصوص تجدید کتترات مسیومولیت مدیر پست ممالک مجروسه که کمیسیون پست و تلگراف رأی داده بود مذاکرات زیاد شد و ماده اول کتترات که در خصوص مدت کتترات باشد چون راجع بکمیسیون بودجه نبود داخل مذاکره نشده در خصوص ماده نانی که اقلاً دادن ۲۰ هزار فرانک موجب سالیانه باو باشد که ۱۸ هزار فرانک موجب سابق او و دو هزار فرانک اضافه است کمیسیون بودجه همین قسم با کثرت تصویب می نماید و تانیاً برقراری یک هزار و پانصد فرانک از حقوق فوق العاده او با هم موجب آنرا نیز تصویب می نماید - در ماده ثالث که تبدیلی یک هزار و پانصد تومان فوق العاده مسیومولیت بفرانک از فرار صدی دوست و هفت قران رأی نداد چون رواج مملکت ایران پول خود ایران است تبدیل تومان را فرانک صحیح نمی دانند در ماده رابع که اضافه مسیومولیت بفرانک فوق العاده مسیومولیت است کمیسیون با کثرت رد کرد ولی یک هزار و پانصد تومان فوق العاده او را تصویب می نماید که بعد از وضع

دو هزار فرانکی که از فوق العاده کسر و بر موجب او افزوده خواهد شد تنه را دریافت دارد ماده پنجم و ششم خارج از وظایف کمیسیون بودجه است ورد و قبول آن بسته بنظر مجلس مقدس است.

وکیل التجار - همه آقایان مسیوفند که بنده یکی از اشخاصی هستم که در تجدید کتترات مستخدمین خارجه مخصوصاً در جلب مستخدمین جدید خیلی جدیت داشته و دارم و خیلی اصرار دارم آنقدر اینکه لازم دارم بخواهم و بیادوریم ولی در این موضوع بخصوص چون معلومات شخصی دارم تکلیف بنده این است که عرض میکنم که قریب ده ماه بنده شخصاً یعنی از طرفانچین ایالتی گیلان طرف مذاکرات کردم که از بابت پست بعضی چیزهای دیگر ما بین پستخانه طهران و پستخانه گیلان مذاکره شده است بعد از آنهم داخل مذاکراتیکه راجع بهمتم آن بوده بودام و کاملاً بنده ثابت شده است و حاضر لمسانود لایلی که بر بنده معلوم شده است اظهار بدارم و هر کس میل دارد ببیند وثابت میکنم بنده استمهاده شخصی این آدم را چون مسیومولیت دیده است که اجزای آن در اینست که قدر اداره بوده اند یک اندازه هوش پیدا کرده اند و ممکنست بیک جانی برسند باینجهت راضی بترقی آنها می شود باینجهت کتترات که در مدت ده ماه مکتوبه و مراد و نوشتهجات شخصی او را که بنده دیده ام پر - بنده ثابت شده است و عرض کردم که نوشتهجات او حاضر است و آن حرکاتیکه از او افشاش شده است در یک مدتی مجبور کرد نسبت بیکری از محترمین اجزای پستخانه که از مسیومولیت بود سوء رفتار شود بالاخره مجبور کردند که از اینجا یک مأمور بفرستند بیکجهت آنرا که آن وزیر پست تصدیق کردند که حساب او را رسیدگی کرده اند و صحیح بوده است و بواسطه عرض شخصی مجبور کردند که مادی - و از برود آن بچاره را جبراً بیارند اینجا و آن آدم مدتی ناخوش نشو بالاخره جانی سلامت در برده است و الان مدتیست که بیکر مانده است محض اجاجت شخصی در آن موقع که بنده دیدم آنقدریکه ممکنست با ملت و بهیئت احرار ضدیت و اجاجت کرد و خارج چهارم وادار کرد که ضدیت کنند فقط چیزیکه توانست خط پست وزارت اداره پستخانه گیلان را در مقابل بد رفتارهای او محافظت کند همان درستی و خوش رفتاری انچین وسعت رفتار بشیر الملک بود که بینی و بین الله کمال همراهی را کرد تا اینکه اینخط بپست را بخوبی نگاه داشته اند و مخالفتهایکه این آدم کرده است آنان موجود است بنده ناچار بودم که این اطلاعاتی که دارم عرض بکنم برای اطلاع آقایان نمایندگان و اگر تجدید کتترات او را تصویب کردند آنوقت بعضی فرمایش دارم که خدمت آقایان عرض خواهم کرد.

منتصر السلطان - در اینخصوص که اینجا مذاکره کرد در راجع مسیومولیت چون این راجع مواد اوست که راجع بکمیسیون فوائد عامه است دفاع میکنم و در باب پولتن راجع بکمیسیون بودجه است باینجهت در این باب عرض نمیکند مذاکراتیکه رئیس کمیسیون بودجه اجازه بدهد بنده همین اندازه میدانم که این شخص مسیومولیت شخصی است که در کارهای اداریش کمال دقت و درستی را بفرج داده است و بر اعضاء کمیسیون فوائد عامه مشکوف شده است و البته کسی که میخواهد حدود تکالیف خود را مرتب نگاه بدارد که فردا فرد اجزاء از ترتیب جریان اداره و از آقایان

کرتیس و وزیر بیعت اداره معین میکند تخلف ووزند البته بالطبع اسباب دلنگری و کورت بعضی اشخاص میشود پس نباید بکنفر رادر این باب مثل بزنم برای یک تجدید کتترانی و اگر کسی شکایتی دارد از هر یک وزارتخانهها و رؤسای ادارات میتواند بیورد شکایت خودش را بدهد بجایهای لازم و دادخواستی بکنند ولی همینقدر میدانم که مسیومولیت تا همین ساعت خیلی خدمت کرده است و کارهای اداری خودش یعنی آنکارهاییکه باو رجوع شده است آن اندازه که توانست است مواظبت و کوشش کرده است.

وزیر پست و تلگراف - فرمایشات آقای وکیل التجار من را مجبور کرد که فرایضی بکنم از ایشان و سایر نمایندگان محترم خواهش میکنم قدری دقت بکنند در یک مسئله که وزیر می آورد به مجلس نمایندگان ملت باید نظر اساسی مملکتی بآن تقاضای وزیر بیندازند و بعد از دقتهای فراوان رأی خودشان را بدهند حالا قبل از اینکه داخل مذاکره بشوند به پیشنهاد اداره پست مملکت ایران آریاب یک رئیس لازم دارد و نیاز دارد و آن رئیس ارویائی باشد خوب است یا نباشد این را رئیس که از پست مملکت کرده اند خودشان امروز کرده است خوب بوده است یا نه اینها را از وزیر مسئولی سؤال کنید از هم توضیحات خودش را بدهد عرض کنم که بکنونی باید در مجلس باینجهت پیشنهادی شود که می خواهیم کتترات مسیومولیت را تجدید کنیم که یک تبادل افکار بکنیم و بکنندی وقت از برای ما باشد شاید سه ماه قبل از این می توانستیم بهتر از این شخص نمی گویم به خدمت کرده خوبیم خدمت کرده بکی را بیادوریم در اداره خودمان برقرار کنیم اما یک رفتی این را می آورند در مجلس و خودشان در چندی قبل فرمودند که مدتیست از کتترات این گذشته است حالا هم حضرت والا می فرمائید که خیلی اهمیت دارد و اداره رئیس ندارد و کار مختل میشود بعد از فرمایشات آتشین یعنی مجبورید که کتترات را تصدیق بکنید بعد از این فرمایشات بنده هیچ تصدیق این را نمیکند اگر واقعاً این قسم صحیح است که میفرمایند این کتترات واجب است و باید بشود و اگر نشود اداره پست ندارد با مرتب نخواهد شد اداره پست همینطور میماند اینجا چه ندارد باید قبول کرد و اگر هر آینه کتترات این رد شود - ممکنست از برای حضرت والا یکی دیگر را اگر این را رد بکنیم مثل این یا بهتر از این کتترات بکنند که این اداره را دائر بکنند یا خبر بنده حیرانم در حقیقت در باب رأی خودم توضیحات این فرمایش بنده را بفرمائید تا رأی خودم را عرض کنم.

وزیر پست و تلگراف - گویا سره تنه می شد بنده هیچوقت عرض نکردم البته هر چیزی را که آوردند مجلس باید حتماً قبول کنند مجلس نظر خودش را میکند اگر صلاح بدید تصویب میکند و اینکه میفرمائید امروز آورده اید میفرمائید فوری بگذرد اینطور نیست خیلی قریب است در سابق در وزارت سردار منصور یا منتهم خانان این را آورده اند به مجلس و در زمان بنده هم نبوده است و باین فوریت هم نیست مدتها هست مذاکرات می شود و اما در باب اینکه اگر از او رد بکنیم ممکن است بهتر از او را کتترات کنیم یا ممکن نیست در کمیسیون فوائد عامه هم در این باب مدتها مذاکره شد ممکن است یک شخص

اروز موقع این مذاکرات نیست یک اندازه باین اهمیت و عظمت با روابطی که باخارجه دارد ملاحظه کنید اولاً که یک رئیس لازم دارد یا ندارد تانیاً این باید ارویائی باشد یا نباشد ثالثاً آیا این شخص در مدت مأموریت خودش خدمت خود را انجام داده است یا نه داده است بعد از آنکه این سه مطلب معلوم شد آنوقت باید یک وزیر که یک تقاضائی میکند میگوید مسئولیت بعده شما است و هر روز شما را استیضاح می کنیم و قدر هم میکنید چرا می آید جواب استیضاح را بدهد باید حاضر باشد بگوید که این حرف شما را هم می شنویم که برای اداره تان رئیس اداره ارویائی لازم است.

حاج شیخ اسدالله - محض خاطر فرمایش حضرت والا اول عرض می کنم که بنده هم بشیر الملک را دیده ام و هم شنیده ام که توهم برود که بشیر الملک یا دوله - بن حرنی زده باشد لیکن خیلی متأسفم که باینجهت کتتراتی که میفرماید بسته شود در باب یک اداره بزرگی مثل اداره پست باین اهمیت اگر چه از خدمات بلژیکیها من خیلی ممنونیت دارم خیلی خدمات آنها باین مملکت کرده اند این را هم نمی شود منکر شد این عرض را میکنم ولی میفرماید عرض کنم که بکنونی باید در مجلس باینجهت پیشنهادی شود که می خواهیم کتترات مسیومولیت را تجدید کنیم که یک تبادل افکار بکنیم و بکنندی وقت از برای ما باشد شاید سه ماه قبل از این می توانستیم بهتر از این شخص نمی گویم به خدمت کرده خوبیم خدمت کرده بکی را بیادوریم در اداره خودمان برقرار کنیم اما یک رفتی این را می آورند در مجلس و خودشان در چندی قبل فرمودند که مدتیست از کتترات این گذشته است حالا هم حضرت والا می فرمائید که خیلی اهمیت دارد و اداره رئیس ندارد و کار مختل میشود بعد از فرمایشات آتشین یعنی مجبورید که کتترات را تصدیق بکنید بعد از این فرمایشات بنده هیچ تصدیق این را نمیکند اگر واقعاً این قسم صحیح است که میفرمایند این کتترات واجب است و باید بشود و اگر نشود اداره پست ندارد با مرتب نخواهد شد اداره پست همینطور میماند اینجا چه ندارد باید قبول کرد و اگر هر آینه کتترات این رد شود - ممکنست از برای حضرت والا یکی دیگر را اگر این را رد بکنیم مثل این یا بهتر از این کتترات بکنند که این اداره را دائر بکنند یا خبر بنده حیرانم در حقیقت در باب رأی خودم توضیحات این فرمایش بنده را بفرمائید تا رأی خودم را عرض کنم.

وزیر پست و تلگراف - گویا سره تنه می شد بنده هیچوقت عرض نکردم البته هر چیزی را که آوردند مجلس باید حتماً قبول کنند مجلس نظر خودش را میکند اگر صلاح بدید تصویب میکند و اینکه میفرمائید امروز آورده اید میفرمائید فوری بگذرد اینطور نیست خیلی قریب است در سابق در وزارت سردار منصور یا منتهم خانان این را آورده اند به مجلس و در زمان بنده هم نبوده است و باین فوریت هم نیست مدتها هست مذاکرات می شود و اما در باب اینکه اگر از او رد بکنیم ممکن است بهتر از او را کتترات کنیم یا ممکن نیست در کمیسیون فوائد عامه هم در این باب مدتها مذاکره شد ممکن است یک شخص

جدیدی را برای اینکار آورد و لیکن یک نظریاتی بوده در این مورد که آن شخص جدیدی را که میتوان از برای اطلاع و کسب بصیرت یقیناً یک سال وقت تلف خواهد شد و این شخص بصیرت کامل دارد و اداره را اداره کرده است. باین دلایل و دلایل دیگری مصاحبت شده است که کثرت او را تجدید کنند ولیکن در کمیسیون هم عرض کردم نباید اکتفا کرد باین یک نفر دوسه نفر دیگر هم بنده عنقریب تقاضا خواهم کرد که بیادیم که آنها کمک و معاون باشند حالا آن دوسه نفر زردشتی باشد یا از خارجه باشد باید بیاند بکسک و معاونت در اداره است باینکه نفر آنطوریکه میخواهم منظم باشد منظم نیست و حداقل یک اشخاص دیگری فوراً حاضر باشند که این مقام را تصرف کنند و حاضر باشند از برای انجام کارهای است نیست این است که خدمت آقای حاجی شیخ اصدالله عرض می کنم که فرمایشات ایشان صحیح است و این وقتها و فوراً در کمیسیون شده است و در هر هم وقتی یک مطلبی را میگوید میآورد و عرض میکند فلان مسئله لازم است یقین است یک لزومی را حس کرده است که این را تقاضا کرده است.

بجهت - بنده اولاً میخواستم ببینم موضوع این مذاکره چه چیز است راپورت کمیسیون بودجه - و آنکه در حال آنکه این مطلب راجع است به کمیسیون فواید عامه بدلیل اینکه این مذاکرات چیزی که میشود در راپورت کمیسیون بودجه اسمی از او نیست و راجع است بکمیسیون فواید عامه و این مذاکره بی محل است همان دلیل که هیچ راپورت کمیسیون فواید عامه خوانده نشده و آقای منتصر - السلطان دفع هم میکنند بنده میدانم چه موضوع مباحثه بوده و چه مذاکره شد تا بنیاً در موضوع وزیر که یک رئیس یا یک مدیری برای اداره تعیین میکنند قانوناً مجلس در این باب رای خواهد داشت یا نخواهد داشت نهایتاً اگر یک وقت یک کثرت خارجی باشد نظریاتیکه قانون اساسی میگوید که مجلس باید در کثرت ها رای خودش را بدهد باین واسطه است که کثرتها مبادی بجهت استفاده این است که در کثرت مجلس رای بدهد پس همین جهت است که کمیسیون فواید عامه یکی از موارد را قرار نداده است در این موضوع هیچ در این باب اظهار عقیده نکرده است چون از جهت راجع باو نبوده است تا بنیاً چیزی که امروز لازم است در نظر داشته باشیم آن اطمنیان است که از یک وزیر داریم وقتی که سابقه اعمال اشخاص بصورت یک نظری یک وزیر داشته باشیم بنده تا یک اندازه مسبوق هستم چون میدانم این راپورت از مجلس خواهد گذشت بهتر این است که داخل این مذاکرات شویم در همان مسائل قانونی ازل راپورت کمیسیون فواید عامه خوانده شود و در کلیاتش مذاکره کنیم و ببینیم آیا این مذاکرات باید بشود یا غیر یعنی آیا لازم است در کلیاتش مذاکره شود که آیا یک رئیس لازم داریم برای وزارت است یا لازم نداریم در این خصوص در کلیاتش باید مذاکره شود تا بنیاً یک شخصی هم هست در این چیزی که در راپورت کمیسیون فواید عامه است که فقط

نوشته است (کثرت) و تعیین نکرده است گمان میکنم که باید نوشته شود کثرت برای ریاست است نه اینکه فقط نوشته شود کثرت بجهت اینکه ما اشخاص من حیث (هو) را لازم نداریم اشخاص را بجهت کار لازم داریم پس باید کارش هم معین بشود حالا خوب است راپورت کمیسیون فواید عامه خوانده شود و در آن مذاکره در کلیات بشود که معلوم شود اگر در آن موارد کسی حرفی دارد بزند.

رئیس - اینکه فرمودید موضوع مذاکره چیست موضوع مذاکرات همان کلیات است و راپورت کمیسیون فواید عامه که خوانده نشد چونکه ابتداء آمد بجهت و خواستیم که در این خصوص داخل مذاکره شویم مجلس اظهار کرده که این راپورت باید برود بکمیسیون بودجه کمیسیون بودجه هم در باب بودجه این کثرت رای خودش رای خودش را بدهد پس حالا موضوع مذاکرات همان کلیات است که تقاضا شده است بر تجدید کثرت.

بجهت - بنده مسبوق بودم که رجوع بکمیسیون بودجه شده بود ولی عرض میکنم که باید راپورت کمیسیون فواید عامه مجدداً خوانده شود که ما در کلیات آن مذاکره کنیم و پس از شور در کلیات در مواد آن مذاکره کرده رای بدهیم.

در این موقع راپورت کمیسیون فواید عامه که سابقاً نیز در مجلس قرائت و در نمرات سابقه درج و منتشر شده بود مجدداً خوانده شد.

حاج آقا رسیده است همین قسم ترتیب کرده اند و مشغولند ترتیب میکنند ولی یک نکته اینجا هست که جناب عالی تصور میفرمائید که یک نفر که آمد فوراً یک بستنهای که (۱۶) ایالت است (۱۰۰) شبات دارد این یکصد و پنجاه محل تماماً قانونی و تماماً مطلع و آگاه میشوند اینطور نباشد مگر بروند مدرسه یک نفر مسیو مولیر میخواند ۲۰ نفر الی ۳۰ نفر را ترتیب کند و برود آنها را بفرستد بولایات چنانچه امروزه دستگاه خراسان بقدمی منظم است که همیشه از ارتعاج میکنند و چنان منظم است که مبادله پستی که مهمترین کارهای پست است که یک نفر مستخدم اروپائی لازم دارد چند برابر مبادله پستی شده است علاوه در سال چه اندازه از کلی پستال و چیزهای دیگر علاوه شده است بر پست که دفترهای صحیح و اشخاص صحیح آگاه داریم لکن یکمرتبه هم نمیتواند مسیو مولیر که در این چند سال که آمده است تمام اجزای مثل خودش بصورت آگاه بکند که اگر امروز خودش نباشد بتواند بجای او کار بکنند و خدمات او امروزه خیل محل تمجید و تعسین است.

کاشف - بنده تمام مذاکراتیکه اینجا میشود همه اینها را خارج از موضوع و بیفایده می بینم عقیده شخص بنده اینست که چون اظهاراتیکه میشود معلوم نیست در مواد است یا در کلیات و اگر چنانچه در کلیات است هیچ فایده در این مذاکرات نیست بجهت اینکه تماشای خارج از موضوع است و در حواشی صحبت میشود و همین جهت بوده است که سامت زبانی وقت خود ما را صرف این حرفها میکنیم و یکی اصل مقصود از این رفتن است و نتیجه راپورت کمیسیون فواید عامه بجهت آمد در اینجا اکثر نظری در شخص یا درمذکرات کثرت داشتید باید همانوقت این گفتگوها را میکردند که ما این شخص را صحیح میدانیم باینکه در مبلغ آن حرفی داشته همانوقت مذاکره میکردند که این مطلبی که کمیسیون فواید عامه نوشته است از وظیفه آن کمیسیون خارج بوده است و باینست رجوع شود بکمیسیون بودجه که کمیسیون بودجه نظر بر جمع و خرج مملکتی که دارند ملاحظه میکنند و تصویب ملاحظه میکنند بودجه بکنند حالا دیگر نماند مذاکراتی که امروز میشود مقصود چیست اگر مقصود اینست که آن آدم بکلی رد بشود و نظریات کمیسیون را بچه جوجه تصویب میکنند اگر آقایان میخواهند رد بکنند همان روز اول که بجهت آمد ممکن بود که رد بکنند و هیچ لازم نبود رجوع بکمیسیون بودجه شود بنده میدانم بچه ملاحظه رجوع بکمیسیون بودجه شده است شما میخواستید کمیسیون بودجه هم نظرات کمیسیون فواید عامه را تصویب بکنند و اساس فواید عامه را داشته باشد کمیسیون فواید هم تصویب کرد و آورد بجهت و اظهار کردو بعد نظریاتیکه اساساً کسی از آن داشته رجوع بکمیسیون بودجه شد و حالا آقایان اینها را آنیکه میکنند باید در جزء جزء مذاکره شود بنده باشخص کار ندارم اول در کثرت مذاکره شود که این کثرت تجدید میشود یا خیر بعد در مبلغش که کمیسیون بودجه راپورت داده است این مبلغ نظر کمیسیون بودجه هم هست که آقایان در مقدار این واجب و کم و زیادش، مذاکره کنند دیگر زیاد بر این هر قدر مذاکره بکنیم در حاشیه است و وقت مجلس تلف میشود و هیچ نتیجه حاصل نخواهد شد.

فهییم الملک - بنده اساساً مواظم با آقای

کاشف حالا میخواستم پیشنهاد بکنم و عرض بکنم آنچه را که باید مطرح کنیم و شوردر آن بکنیم چهار چیز است یکی اینکه آیا ببینیم استخدام یک نفر بسمت مدیری کل برای اداره پست و تلگراف لازم است یا خیر اگر تصویب شد آتوق در مسئله تابعیت مذاکره شود و رای بگیرند بعد از اینکه تصویب شد مدت صحبت بکنند بعد از آن پولش دیگر هیچ چیز دیگر وظیفه مجلس نیست شرایطی را که میخواهند دوباره او بنویسند یا اینکه همان میخواهند از برای او تعیین بکنند یا اینکه تمام اینها را جمع یک وزیر مسئول است ما بکار داریم چه میکنند شاید خیلی هم خیانت می کنند شاید هم خیلی صحیح است طرف این مذاکرات وزیر است اگر بفرستار کرده یا خوب طرف این استیضاحات وزیر است استدعا دارم در همین چهار مسئله صحبت کنند اولاً لزوم استخدام یک نفر مستخدم اروپائی تا بنیاً تابعیت ثالثاً مدت خدمت را باین مقدار حقوق در مقابل خدمت باقی چیزهای دیگر را واگذار بکنند و وزارت پست

رئیس - در این باب که فرمودید بعد از آنکه مذاکرات شور کلی تمام شد رای خواهیم گرفت که داخل شور مواد شویم اگر آقایان تصویب کردند در واقع دو چیز را تصویب کرده اند یکی از لزوم استخدام اروپائی یکی ملیت آتوق مذاکره می کنیم در مدت خدمت و حقوق او.

وکیل التجار - عرضی که بنده کردم گویا فراموش نشده باشد و چند نفر از نمایندگان محترم اینجانب شنیدند و جمعی از تماشاچیهام شاهدند صورتش که اینجا ثبت می شود بنده یک شرطی از اطلاعات شخصی و چیزها را که در مدت ده ماه تحصیل کرده بودم اینجا اظهار کردم و باآمال نتیجه آنرا عرض کردم که یکی از آنها این بوده است که یک زحمتی هم بر فلان شخص وارد شده است که در واقع آن یک نمونه ای بوده است که بنده نشان دادم و الا اظهارات بنده تمام از روی همان اطلاعات شخصی بوده است که در مدت ده ماه تحصیل کرده ام و عرض کردم شکایتی که در این باب رد و بدل شده است الان در انجمن ایالتی حاضر است ولی خیلی متأسفم که یک وزیر بر می خورد تمام عرایض مرا منحصر میکنند باغراض شخصی که یک نماینده آمده است اینجا و تمام این کثرت را برای اظهارات یک بشر الملکی که آمده است پیش او اظهاراتی کرده است رد می کند بنده خیلی خیلی متأسفم برای اینکه چنانچه این طور منقطع و متقلب بشود مذاکراتی که یک جمعی شاهد و حاضر باشند در اینجا و باز عرض میکنم که آنچه بنده عرض کردم اطلاعات و امتعانات شخصی بوده است و نوشتهجات دارم در این باب که عرض کردم و تمام موجود است و اگر آقایان نمایندگان بخواهند ممکن است ارائه بدهم اما اینکه فرمودند که این راجع بجهت شورای ملی نیست مجلس شورای ملی نهایتاً در این فقره مذاکره بکنند این یکی از مخصصات شورای ملی است چنانچه سابقه هم داریم و دیدیم که کثرت سار حضرات بلژیکیها را هم میخواهند تجدید بکنند آوردند بجهت و مجلس هم در باب کثرت هم در باب مبلغ آن رای داد و هرچوقت ما نمی توانیم که حرفی بزنیم

و خودمان را ضایع بکنیم بنده اینطور عرض نکردم که اعتراض فرمودید و آنیکه تجدید کثرت پیشنهاد شده است و بعد از آنکه مبلغ کثرت استار پیشنهاد نشده که لزوم یک مستخدمی را برای فلان اداره میخواهیم تصویب بکنیم و بعد ملیت او را همچو چیزی پیشنهاد شده است تجدید کثرت فلان آدم اضافه واجب است او ماباید تصویب بکنیم تجدید این کثرت را یا تصویب نکنیم بعد از آنکه تصویب شد آتوق این مبلغ را هم تصویب بکنیم یا رد کنیم و بعد در این بنده این بود است که آنجا نوشته است و در روزنامه جات هم نوشته خواهد شد قارئین هم خواهند دید که اظهار بنده چه بوده است که در اینجا بجهت از بنده بقیه متقلب میکنند اظهارات بنده را.

شهبانی - بنده مقصودم رد کردن فرمایشات آقایان نیست و حاشی مسیو مولیر هم نیستم زیرا شخص او را نمی شناسم ولی همینقدر عرض میکنم تا یک وزیر که تازه این مسئولیت را قبول کرد و طرف سوعطن احدی هم نبوده در چندین جلسه در کمیسیون فواید عامه حاضر شده اند و لزوم تجدید کثرت مسیو مولیر را با بیان ساده و دلایل صحیح مدلل داشته در تمام جلسات این بود که کمیسیون فواید عامه هم تصدیق کرد و راپورت داد بعد برای میزان مواجش بکمیسیون بودجه رفت و کمیسیون بودجه هم تصدیق کرد و حالا آمده است بجهت در این باب بعضی آقایان که اطلاعاتی دارند خوب است اطلاعات خودشان را بفرمائید لیکن نظرشان باید باین باشد که مایک اداره بزرگی که در واقع دارای صد و پنجاه شصت نقطه است بطوری بوده است که همیشه مورد تعسین بوده است و تقصیری که ایراد گرفته اند فقط اینست که بالا تر و فوق ریاست خودش رفتار کرده است یعنی بعضی اختیارات را تحصیل کرده بود که آن را هم در این کثرتش تجدید کرده اند در این کثرتش جای هیچ خیالی باقی نمانده است حالا و اوافق آن فرمایش آقای حاج آقا که فرمودند یک نفر از زردشتیها را استخدام بکنند البته در صورتی که وزیر صلاح بداند پیشنهاد بکند بنده یک نفر که با کمال جدیت قبول میکنم و افتخار میکنم باینکار زیرا که کمال درستی را باین طایفه سراغ دارم و ایران دوستی آنها را هم تصدیق دارند ولی یک کثرتی را که یک وزیر ششماه است به مجلس شورای ملی میفرستد و این جا تأخیر میشود و حالاً هم یک مدتی از وقت او گذشته است و بد رستی اعمال مسیو مولیر هم همه ما تصدیق داریم گمان نمیکنم و بایرادی باشد بجهت اینکه ما از نو برای دستگاه نمیخواهیم یک فکر تازه بکنیم که اسباب پشیمانی و نگرانی باشد باین جهت بنده تصور میکنم که در کلیات بیش از این صحبت نکنیم و بقی این آدم را تصویب کنیم و داخل شویم در مواد.

رئیس - این یک مسئله فامضیت لابد فکر های خودتان را کرده اید که باید کثرت مسیو مولیر تجدید شود یا نشود.

حالا رای میگیریم در اینکه داخل شویم در

جزئیات کثرتات - کسانی که تصویب میکنند داخل شدن در مواد این کثرتات را قیام نمایند [اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد] شروع شور مواد کثرتات مطابق رایورت کمیسیون فواید عامه گردید و ماده اول مطرح مذاکره شد .
ماده اول پیشنهاد وزیر - مدت کثرتات برای چهار سال .
پیشنهاد کمیسیون - هیئت کمیسیون پس از مذاکرات زیاد با وزیر پست و تلگراف از قرار ذیل با اکثریت رأی داد که کثرتات مسیو مولیر را یک شخص شود از برای مدت سه سال .

حاج شیخ اسدالله - فرمودید در اینجا بود مطلب است یکی اینست که بینیم اداره پست و تلگراف یک رئیس اروپائی لازم دارد یا ندارد بعد از این که تصویب شد که یک رئیس اروپائی لازم داریم آتوقت در تابتیست هم باید رای بگیریم حالا من نفهمیدم که این رای به کدام وجه در اجاب کدام بود در اجاب باصل لزوم یک مدیر یا رئیس بود یا رای در ملیتیش بود که حالا شروع در مواد شده است .

رئیس - بنده که عرض کردم وقتیکه مجلس رای داد که داخل مذاکرات در مواد شویم در واقع رای بدو چیز داده است یکی در خود لزوم یک مدیر اداره و یکی در ملیتیش حالا ملاحظه بفرمائید مجلس رای داده است که داخل مذاکرات شویم و حالا مذاکره در این است که مدت کثرتات چقدر باشد .

وکیل التجار - اخبار نظامنامه دارم مطابق نظامنامه هر گاه نماینده اخطار کند که رای مشکوک شد باید تجدید رای شود و حالا آقا شیخ اسدالله اظهار میکند که رای برای من مشکوک شده است باید تجدید رای شود .

وزیر پست و تلگراف - لازم است خاطر آقای وکیل التجار را متوجه کنم باینکه در نظامنامه نوشته شده است اگر رای مشکوک شد (مشکوک شد) یعنی معلوم نشد که اکثریت حاصل شده است یا نشده است در اینجا معلوم شده است و اکثریت حاصل شد و باید رای مشکوک نشد اینجا یک فریب گوید که من نفهمیدم در چه رای گرفته اند اگر ایشان نفهمیدند اکثریت مجلس فهمیدند این یک نفر باید کمال دقت را بکنند ببیند در چه رای میدهند نباید یک مجلس برای فهمیدن یک شخص تجدید رای نماید .

حاج سید ابراهیم - بنده میخواستم عرض کنم که ما باید اعتماد داشته باشیم به پست و تلگراف اما تجدید کثرتات یک نفر اروپائی را رای میدهم و در شخص او مانظری نداریم او بسته است با انتخاب خود وزیر و مسؤلیت خود وزیر و اینهمه مذاکرات عرض کردم با وقت کم و کارهای خیلی مهم زیاد حقیقتاً خیلی منافست و این رایورت هم در کمیسیون فواید عامه هم در کمیسیون بودجه مذاکره شده و تصویب شده است خوب قدری کمتر از این مذاکره کنیم .
ماده اول دو مرتبه فرات شد .

رئیس - موضوع مذاکرات مدت سه ساعت در کثرتات حالا در این موضوع مذاکره می کنیم .

شیخ اسدالله - بنده عرض میکنم آیا ما حق داریم نظریات خودمان را عرض کنیم یا خیر ما باید فقط نظریات خودمان را هر چه می دانیم اظهار کنیم بنده عرض میکنم که بواسطه فرائد و علامات که در نظر بنده هست بنده عقیده ام اینست که در اداره پست هستند اشخاصی که بتوانند اداره کنند بستانه را بطوری که محتاج باین شخص نیاشیم و بعد از آنکه بعضی لازم دانستند که کثرتات شود یک شخص خارجی آتوقت بنده تبدیل کثرتات مسیو مولیر را یک شخص دیگر بهتر می دانم .

رئیس - دیگر این اظهار جناب عالی بی محل است ملاحظه بفرمائید مجلس رای داد در این که این کثرتات تجدید شود حالا صحبت در مدت کثرتات است اگر ملاحظاتی در آن دارید اظهار نمایند والا خود تجدید کثرتات را مجلس رای داد و گذشت .

افتخار الواعظین - از قراریکه بنده می دانم کویا اینکه وزیر پست و تلگراف این تجدید کثرتات را به مجلس آورده است برای اینست که برای انتظامات هر دستگاه وجود یک نفر اروپائی لازم می داند و بعضی از نمایندگان محترم مجلس مقدس که قدری تأمل دارند و باره ای اظهارات می فرمایند نظرشان باینست که اگر این کثرتات را تبدیل بکثرتات یک شخص کافی و روانی مطاع دیگری که امروز از خارجه بیاوریم که اطلاعاتش از این شخص بیشتر باشد البته بهتر است باینجهت بنده عقیده ام آنست که مدت کثرتات را یک سال قرار بدهند و یک سال را بنده کافی می دانم .

مقیم السلطنه - متعجبم از اینکه در نفر نماینده که اخیراً نطق فرمودند عمداً یا سهواً اصرار داشتند که از موضوع خارج شوند موضوع مذاکره اینست که مدت کثرتات این مستخدم سه سال در کمیسیون تصویب شده است نمایندگان باید اظهار بکنند این مدت زیاد است یا کم است مذاکره دیگری نباید بشود و یک سال هم خیلی کست بجهت اینکه یک نفر اروپائی یک مأمور بلژیکی که امیدوار باشد خدمت بکند راضی نخواهد شد که یکسال تجدید کثرتات شود و سه سال هم زیاد نیست بجهت اینکه سایر مأمورین بلژیکی را هم که کثرتاتشان را تصویب کردیم مدت سه سال بوده خوب است در همان سه سال رای گرفته شود و بعد از برای آنها اگر بخواهند معاون دیگری استخدام کنند در استخدام آنها نظرات خودشانرا در باب مدت بنمایند حالا سه سال زیاد نیست و خوبست نمایندگان تصویب نمایند .

رئیس - حالا بقدر لزوم در این ماده مذاکره شده است رای می گیریم پیشنهاد وزیر پست و تلگراف را تصویب می کنیم فواید عامه در مدت تجدید کثرتات مسیو مولیر از برای سه سال - کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند .

رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد رایورت کمیسیون بودجه در باب حقوق مسیو مولیر به امارت ذیل فرات شد در خصوص ماده ثمانی که اولاً دادن ۲۰ هزار فرانک مواج سالانه او باشد که

۱۸ هزار فرانک مواج سابق آورده هزار فرانک اضافه است .
کمیسیون بودجه همین قسم با اکثریت تصویب مینماید .
بجهت - در موفیکه تجدید کثرتات یک مستخدم خارجی بمجلس شورای ملی تقدیم می شود شایسته اینست که آن خدماتی را که آن مستخدم خارجی باین اداره کرده است به طور فهرست بمجلس وزیر مشول پیشنهاد کند و اینکه نشده است یک تقاضای است در واقع حالا در اینجا تمین می کنند که در هزار فرانک اضافه مواج می خواهیم با بدهیم وزیر تقاضا کرده است باید بدانیم که خدماتی که مسیو مولیر کرده است چیست که این اضافه را تصویب کنیم یا خیر حالا خوبست جناب وزیر پست و تلگراف بنمایند که آنرا بطور اجمال مستحضر نمایند از خدمات او تا اینکه بتوانیم از روی صحت و درستی رای بدهیم .

وزیر پست و تلگراف - یک صورت مفصلی اینجا نوشته شده است و حاضر است می ترسم با آنکارهای مهمی که آقایان وزراء دارند وقت مجلس را بمطل کند اگر اجازه بفرمائید همین صورت مفصل را بدهم زلاتین کنند و بین آقایان توزیع شود که ملاحظاتی خودشانرا بفرمایند که چه خدماتی کرده است و در این مدت در اداره پست چه شده است اگر چه یک صورتی سابقاً چاپ شده است و تقریب شده است لیکن این یک صورتیست که خیلی دقت شده است .

حاج آقا - این ترتیب رایورت کمیسیون بودجه طوری درم و برهست که وقتی که انسان بخواهد اضافه مواج برای او تصویب کند نمیداند سالیانه مواج او چقدر خواهد شد بنده هیچ نمیتوانم تصویب کنم که یک هزار و پانصد فرانک بفلان عنوان هیجده هزار فرانک بفلان عنوان هزار و پانصد فرانک بفلان عنوان خوب بود بمجلس معین کنند که چقدر می شود کلیتاً و در آن رای گرفته شود یک مواج سابقه و یک کسرویک اضافه اینرا بنده نمی فهمم و معنی ندارد باید طوری باشد که و کلاً بدانند درست چقدر تصویب میکنند .

میرزا مرتضی قلیخان - معض توضیح عرض می کنم و استدعا دارم درست توجه بفرمایند که اشکال دیگر باقی نماند این شخص ۱۸ هزار تومان مواج داشته است هزار و پانصد تومان هم بقدر فوق العاده باو داده شده است و باین عنوان فوق العاده ببالغ مستخدمین خارجه یک مبلغی داده میشد کمیسیون فواید عامه مطابق پیشنهاد وزیر تصویب کرده بود که در هزار فرانک از بودجه دولت اضافه مواج باو مرحمت شود و یک هزار و پانصد فرانک هم از فوق العاده او کسر و بر مواج او افزوده شود که بیست و یک هزار و پانصد فرانک مواج داشته باشد چون معلوم است اهمیت مواج بیش از فوق العاده است و آن هزار و پانصد تومان هم تبدیل بفرانک شود و بعد از وضع آن یک هزار و پانصد فرانک که کسرمیشد از فوق العاده بر مواج او افزوده شده است بقیه که پنج هزار و هفتصد فرانک میشود در حق او بر قرار باشد و سبصد فرانک هم

بشود فوق العاده باو داده شود این چیز است که کمیسیون فواید عامه تصویب کرده مطابق پیشنهاد وزیر است لیکن آنچه کمیسیون بودجه تصویب کرده دو کلمه است خیلی مختصر آن در هزار فرانک اضافه بر مواج را کمیسیون بودجه تصویب کرده است بر فراری هزار و پانصد فرانک از فوق العاده بصیغه مواج این راه تصویب کرده است لیکن تبدیل هزار و پانصد تومان را بفرانک تصویب نمی کنند کمیسیون بودجه لیکن تصویب کرده است که بقیه هزار و پانصد تومان که هزار و پانصد فرانک ازاد کسر میشود باو داده شود آن سبصد فرانک اضافه فوق العاده را هم کمیسیون بودجه تصویب نکرده است این یک چیز خیلی واضحی است .

میرزا یانس - بنده عموماً همسراه مستم باشم صبح می گویند باید مستخدمین خارجه داشته باشیم برای اصلاحات ادارات و اینرا بجهت ایران خیلی لازم میدانم ولی چیزی را که در باب مسیو مولیر بنده کزاف می بینم آنست که مواجش هست که ۲۷ یا ۲۸ هزار فرانک مواج خیلی گزافست بخصوص از برای یک ملکیتی مثل ملکتما که از فراریکه بعضی می گویند بروزی پانصد تومان همسراه اش لاک است و بر دوزی پانصد تومان همسراه اش راه می افتد و بقدری مواج بلژیکیها در این لایحه زیاد شده بود که خود بلژیکیها در اداره کمراکات احساس کردند که مواج بلژیکیها یک درجه قدمت در خدمت داشتند بآن نسبت اضافه مواج می بردند خیلی زیاد شده است و خودشان انصاف دادند که این مملکت استعداد دادن آنقدر مواج ندارد و تمام آن مستخدمین قدیم را کم تجدید کردند و مستخدمین جدید آوردند با مواجهای کمتر بنده عرض میکنم بجهت ریاست کل پست مستخدم خارجه خیلی صحیح است و لازمست ولیکن بنده گمان میکنم که مواجیکه برای چنین مستخدمی میتواند بدهد منتهی دویست تومان باید بشود بنده برخلاف شخص مسیو مولیر هیچ عرضی ندارم خیلی آدم خوبی بوده است خصوصاً با اینکه آقای وزیر اینرا تصویب کردند و اظهار نمودند که خدمات کرده است و حالا هم تصویب می کنند استخدام آنرا و اینکار خودشان است مشولیت او در خصوص مواج او که رای بنده ذخیل است بنده هیچوقت تصویب نمی کنم که این مملکت آنقدر مواج کزاف بدهد .

وزیر پست و تلگراف - مسیو مولیر ۱۸ هزار فرانک مواج داشته و هزار و پانصد تومان هم در یکسال و نیم دو سال قبل بطور فوق العاده باو داده شد در حاشیه کثرتات او نوشته شده است و در واقع چیزیکه در اینجا تقاضا شده دو هزار فرانک است بعنوان اضافه مواج و اینهم نظر بر آن بود که مستخدمین جدید کمراکات تجدید کردند درجه شان نسبت باین پست برتر بود و مجلس تصویب کرد که هزار و پانصد فرانک به آن ها اضافه داده شود این رئیس کل یک اداره است آنها اجزای جزء بودند باینجهت دو هزار فرانک اضافه مواج برای او تقاضا شد که از آنها چندان

عقب نماند و خواهش هم کردند که هزار و پانصد فرانک از فوق العاده اش بشود مواج باو داد شود و این تقاضا را بنده یک تقاضای خیلی بزرگی ندیدم که این هزار و پانصد فرانک را از فوق العاده بصیغه مواج باو بدهند کمیسیون هم تصویب کردند و اینکه آقای میرزا یانس می فرمایند صحیح است ولی از ابتدا اینطور مواجها را داده اند و حالا مستخدمین کمراک اینطور مواج میبرند اینهم که درجه اش از آنهاست ترنسیت نمی شود باو کثرت مواج از آنها کمتر بگیرد باینجهت تقاضای دو هزار فرانک اضافه مواج برای او شد در صورتی که برای سایرین سه هزار و پانصد فرانک تصویب شده است .

بجهت - این رأی که دادیم تصویب کردیم تجدید کثرتات مسیو مولیر را یعنی کفتم خوبست تجدید کثرتات او بشود دیگر بچه شرط بشرطی که رای خواهیم داد در اینصورت عرض می کنم اینکه گفته میشود ۱۸ هزار تومان سابق مواج داشته یعنی چه اقلاً یک مجلس سابقی او را تصویب کرده است که ما آنرا قطعی بدانیم خیر یک کسی در یک دوره یک چیزی را تصویب کرده است از روی چه مأخذ بوده است بنده نمی دانم حالا تازه ما یک تجدیدی میخواهیم بکنیم باید بفهمیم برای چه این استخدام بشود برای اینست که خدمت کرده است در دوره های سابق او هیجده هزار فرانک حقوق داشته حالا ما می خواهیم یک اضافه باو بدهیم این یک حرف فلسفی نیست باید وزیر بگوید بفلان دلیل و فلان دلیل این خدمت کرده است و باید ۱۸ هزار فرانک باو مواج داد و دو هزار فرانک هم علاوه باو داد اولاً بنده این مواج را بطوریکه آن امیرزا یانس اظهار کردند خیلی میدانم تا باین بنده نمی دانم اینرا بچه قسم تصویب کنیم حقیقت پیش من مکشوف نیست آخر بچه دلیل و مقابل چه خدمتی می خواهیم این اضافه را به او بدهیم

محمد هاشم میرزا - عقیده بنده این است که صورتی که وزیر گفتند زلاتین شود و بو کلاه داده شود که از خدمات آن مطلع شوند بهتر است والا باین ترتیب نمی شود رای داد خوبست بمانند روز دیگر بجهت اینکه شاید چنانچه اعضاء کمیسیون رای ندانند اینجهام رای داده نشود و رد شود از اینجهت عقیده ام اینست که بمانند روز دیگر

کاشف - اساساً معلومت روزی که مستخدمین بلژیکی جلب بایران شدند درجه موقی بود و برای چه موقی بود و برای چه مقصدی بود و چه اشخاص مقصدی این کار بودند و این یکی از افکار سابق است که کرده اند و ما را مبتلا کرده اند باین که مواجهای زیاد بدهیم بملاوه این مبلغی که پیشنهاد شده است زیاد از اندازه مواجست بابت که میتوانیم بدهیم فرضاً مواج مسیو مولیر که رئیس کل اداره پست است و حالا پیشنهاد شده اگر تصویب کنیم بیول خودمان تقریباً ماهی سبصد تومان می شود و این مقدار مواج شخص وزیر است و حالا هم بآن ترتیبی که سابق بوده و بطور قلم مواج داده می شده است

میخواهیم اضافه کنیم فرضاً اگر در زمان استبداد که بیکی هزار و پانصد تومان انعام داده شده است این یک سابقه از برای آتیه در دوره مشروطیت نمی شود و بنده از این جهت از اول در کمیسیون فواید عامه که بوده ام همراه نبودم با اضافه مواج در صورتی که خیلی هم با آوردن مستخدمین خارجی همراه بوده و خیلی لازم می دانم و مسیو مولیر را هم لازم می دانم ولی در خصوص مواج او ملاحظه بفرمائید ما میخواهیم بعد از این خیلی مستخدم خارجی از خارجه بیاوریم و باین طوری که بیش می رویم هیچ نمی توانیم استخدام مستخدمین خارجی بنمائیم که همه ساله داریم بر مواج آنها می افزائیم در صورتی که بجهت این ها این اندازه مواج معین شده است بجهت سایرین باید بیشتر بدهیم از این جهت بنده از آقای وزیر پست و تلگراف استدعا می کنم که خودشان ملاحظه بفرمایند در چه قضیاتی گرفتار شده ایم و وضع مابله چگونه است و در حق یک نفر رئیس پست می توانیم آنقدر مواج تصویب کنیم ؟ در صورتی که رئیس کل کمراکات بیش از ۲۱ هزار فرانک مواج ندارد بر رئیس اداره پست چطور می توانیم آنقدر مواج بدهیم .

وزیر پست و تلگراف - اما رئیس اداره کمراک دو یا سه هزار فرانک مواج دارد سه هزار فرانک با ۲۱ هزار فرانک خیلی فرق دارد و اما در خصوص این مسئله بنده گمان می کنم که همان صورتی که محمد هاشم میرزا خواستند که طبع و توزیع شود و به آقایان داده شود طبع و توزیع بکنند و آقایان درست غور رسی بفرمایند و این مسئله مواجش بماند بعد از آن که تحقیقات خودشانرا کاملاً بعمل آورند آتوقت مطرح خود .

میرزا ابراهیم خان - بنده همبقتیر یاد آوردم می کنم حضور آقایان که این مسئله در ششم رجب گذشته از طرف وزارت پست و تلگراف به مجلس آمده است و تا بحال ببینید که چند ماه است مانده است باز هم بماند بنده متغیر می شوم از این که بگویند مجلس کار نکرده است یا در کمیسیون مانده است این ملاحظاتی را بنده ردمی کنم که گفته نشود در کمیسیون مانده است در کمیسیون هم نمانده است .

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف تقاضا کردند که این برای جلسه دیگر بماند .
آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارند ؟
رئیس الوزراء - چون جناب حسین قلیخان نواب جداً از وزارت امور خارجه استمفاده داده اند و دیگر قبول نکردند آقای معتمد السلطنه که بنظر بنده کمال لیاقت و شایستگی را بجهت این مقام دارند بنده معرفی می کنم بسمت وزیر امور خارجه و وزیر عدلیه را هم تا چهار پنج روز دیگر تعیین می کنم و به مجلس معرفی می کنم .
ارباب کیخسرو - بنده از این حسن انتخاب خیلی تبریک عرض می کنم ولی خواستم خاطر نشان بکنم که مقام عدلیه هم کمتر از وزارت خارجه نیست و ما در این مملکت تا بحال عدلیه ای که